

تصدیق سلیقه و نظرات نوجوانان



می بیند یا می شنود یا احساس می کند یا
تشخیص می دهد، آنطور نیست. به مورد زیر
توجه کنید :

دختری همراه مادرش از اجناس داخل یک
فروشگاه دیدن می کردند :

دختر، که پانزده سال دارد، گفت : چه بلوز
قشنگی .

مادر : این بلوز که قشنگ نیست. خیلی هم

بزشکان شعاری دارند : Primum Non
Nocere ، که معنی می دهد : آسیب نرسان .
والدین نیز به قاعده مسابهی نیاز دارند .
نخست ، آنچه را که نوجوان درک کرده است
انکار نکنید ، درباره تجربه او به بحث
نپردازید ، احساسات او را رد نکنید ، و بخصوص
سعی نکنید تا او را متقاعد سازید که آنچه او

زشت و حلقه.

پرویز (با انزجار): این خیلی شوره.

مادر: نه، شور نیست، من اصلاً "نمک بهش نزده‌ام. ایرادگیری رو بذار کنار و غذاتو بخور!

پرویز: وحشتناکه.

مادر: سوپ خوشمزه هست. قارچ داره، جو داره و... .

پرویز: بین، ماما، اگر این قدر که میگی خوشمزه ست خودت اونو بخور.

مادر: می دونی تو چی هستی؟ پررو و لوس. خیلیها این سوپ هم گیرشون نمی‌آدکه بخورن. پرویز: خوب، اگه اینطوره، بده اونو بخورن.

پرویز: این را گفت و شتابان از اتاق خارج شد.

این ماجرا سزاوار پایانی خوشتر است. وقتی یک نوجوان شکایت می‌کند که غذا خیلی تند یا خیلی داغ یا خیلی سرد است، مفید نخواهد بود که دربارهٔ "مزه" دهان او به بحث پردازیم. در عوض، تجربهٔ او را به عنوان یک واقعیت می‌پذیریم و مطابق آن پاسخ می‌دهیم:

"این سوپ برای تو خیلی شوره."

"چای هنوز داغه."

بهترین کار این است که داوطلبانه درمانهای لفظی، از قبیل "کمی صبر کن تا جای خنک بشه پیشنهاد نکنیم." در عوض به فرزند خود فرصت دهید تا برای برخورد با موقعیت های زندگی ابتکار بخرج دهد و اراده اش را با ثبات برساند و خود مختاری خود را به کار برد.

وقتی مادر به شکایت فرزند خود دربارهٔ شور بودن غذا، چنین پاسخ داد: "اوه، این اونقدر شوره که تونمی تونی بخوریش. کاشکی غذای

یک چنین پاسخی خصومت می‌آفریند. مادر شاید قصدش این بوده که از یک انتخاب بدمانع شود، اما دختر مقاصد پنهان مادر را نشنید. آنچه او شنید، این بود: "تو نفهمی، هیچ سلیقه‌ای نداری."

پاسخ موثر به سلیقهٔ یک نوجوان حمله‌نمی‌کند، بلکه آنرا توصیف می‌کند.

"می بینم بلوزی می‌خوای که کوتاه باشه." "تورنگهای سبز، صورتی، ورزشکی رو دوست داری."

تو دوست داری که طرحهای گشاد بپوشی." آنگاه، والدین می‌توانند آنچه را که خود ترجیح می‌دهند، بیان کنند:

"من مدلهای ساده رو ترجیح می‌دم."

"من رنگهای ملایم رو دوست دارم."

"من به طرحهای ظریف علاقه دارم."

"من عاشق پارچه‌های خال خالی هستم."

این بیانات خطر آفرین نیستند، چرا که سلیقه‌ها را مورد سنخ قرار نمی‌دهند. از سلیقه‌ها انتقاد هم نمی‌کنند. آنها فقط توصیف می‌کنند. بیانات توصیفی احتمالا خصومت و مخالفت بر نمی‌انگیزند. نوجوان وقتی می‌بیند که کسی به سلیقهٔ او حمله نکرده است دیگر نیازی به دفاع از آن نمی‌بیند. یک پاسخ غیر انتقادی، نوجوان را آزاد می‌گذارد تا انتخابهای خود را دوباره بررسی کند، و نیز تغییر ذهن را بدون تغییر ظاهر امکان پذیر می‌سازد.

سویی که زیاد نمک داشت: ماجرای که یک نکتهٔ اخلاقی دربردارد.

پرویز، چهارده ساله، فاشی از سوپ را چشید:

مادر: تو هنرخیالی رو دوست نداری؟
 منیزه: البته که دوست ندارم، چیز بی
 خودیه.

مادر: تو هنر نمایش رو ترجیح می‌دی.
 منیزه: اون چیه؟
 مادر: یعنی دوست داری که یک خونه در
 تصویر، شبیه یک خونه واقعی باشه و یک درخت
 شبیه یک درخت، و یک آدم شبیه یک آدم.
 منیزه: بله، این طوره.

مادر: پس تو از هنر نمایشی خوست می‌آد.



منیزه: تصورش رو بکن. در تمام زندگیم
 هنر نمایشی رو دوست داشتم و نمی‌دونستم که
 چیه؟

ساستهای صلح: واژه‌ها واحساسات

سامان، شانزده ساله، به علم سیاست
 علاقه مند است. او دوست دارد درباره

دیگه‌ای داشتیم، " فرزندگفت: " همین خوبه
 ماما، بشوخی برگزارش می‌کنیم ومی‌خوریم. "
 همه؟ آنهایی که سر سفره بودند خندیدند و
 بحران بخوشی خاتمه‌یافت. درگذشته، شکایات
 مشابه به بحث و جدلهای خشم آمیز کشیده
 می‌شد و حال وحوصله همه اعضای خانواده را
 از بین می‌برد.

هنر خیالی و گفتگوی واقعی

افشین، سیزده ساله، با پدرش به یک
 نمایشگاه نقاشی رفت و این بحث بین آنها
 در گرفت:
 افشین: این تصاویر هیچ معنی و مفهومی
 ندارند.

پدر: تو از هنر چی می‌دونی؟ اصلا شده
 که درباره‌اش کتابی بخوانی؟ خوبه که
 چیزهایی رو یادگیری و بعد اظهار نظری کنی.
 افشین نگاه مرده‌ای به پدر کرده و گفت:
 " من هنوز فکر می‌کنم که این تصاویر گندند."
 این گفتگو، بر قدر دانی افشین از هنر سا
 علاقه، او نسبت به پدر نیفزود. افشین احساس
 کرد که مورد اهانت و آزار واقع شده است و باید
 انتقام بگیرد. او به دنبال فرصتی خواهد بود تا
 تلافی آنرا سر پدر در بیاورد، در با زود
 سخنان پدر متوجه خودش خواهد شد. او
 خواهد شنید که پسرش می‌گوید: " شما درباره‌اش
 چی می‌دونید که اظهار نظر می‌کنید؟ " از دهان
 فرزندان ما واژه‌هایی بیرون می‌آید که ما هرگز
 نباید از آن واژه‌ها استفاده می‌کردیم.

وقتی منیزه چهارده ساله، نقاشی مدرن را
 مورد انتقاد قرار داد، مادر نظر او را انکار نکرد.
 سلیقه دخترش را هم محکوم نکرد.



کشورهای عجیب و ملل خارجی صحبت کنند .
حقایق او همیشه درست نیستند و نظریات او غالباً
اغراق آمیزند .

ساسان : چین بزودی قدرت رو دردنیایه
دست خواهد گرفت . حالا وقته که به چین
اعلام جنگ بدنند .

پدر : نابغه نظامی شانزده ساله ام روبین !
آخه تو از این مسائل پیچیده چی می دونی ؟
تو مثل آدمای نفهم حرف می زنی . بذاریه
چیزهایی رو درباره چین بهت بگم . "

ساسان (باخشم) : نه ممنونم پدر . کاری
دارم که باید انجام بدم .

پدر : پس چی شد ؟ بچنون خیلی سرات
داغ شد ؟ خوب دیگه .

یه صرب المثلد که میگه : " اگر نمی توانی
گرما را تحمل کنی ، از آتیزخانه برو بیرون . "

ساسان که رنجیده و عصبانی بود ، اتفاق
نشمن را ترک کرد ، حال آنکه پدر بقیه
سحرزانی برقراری صلح دردنیا را برای همسرش
بیان کرد . موعظه پدر درباره صلح به جنگ
نازه ای درخانه انجامید . گفتگوی او با پسرش
عشق یا احترام بیشتری در محیط خانواده ایجاد
نکرد . ساسان هم چیز زیادی درباره صلح ، با
مسائل سیاسی یاد نگرفت . او آموخت که از
پدرش منزجر باشد ، و نظریاتش را برای خودش
نگاهدارد .

آیا این نزاع لازم بود ؟ شاید نه . هرگز
عاقلانه نخواهد بود اگر سعی کنیم فرزند
نوجوان خود را متقاعد سازیم که نفهم است ، و
نظریاتش احمقانه اند . خطر واقعی در این است
که ساید او گفته مان را باور کند . با به کاربردن
قاعده بحث نکردن درباره نظریات بسک
نوجوان ، پدر می توانست چنین بگوید : " من به

نظریات تو درباره جنگ و صلح علاقه مندم .
از آنها بیشتر برام بگو . " آنگاه پدر می توانست
خلاصه نظریات پسرش را تکرار کند تا نشان
دهد که گوش داده و فهمیده که او چه می گوید .
وبعد از آن ، فقط بعد از آن ، پدر نظریاتش را
بیان می کرد : " می بینم که نظریات متفاوتی در
باره چین داریم . نظر من اینه که ... " در
بحث ، معرف خردمندی ما این خواهد بود که
بتوانیم بین از آنکه نظریان را بگوئیم ، نظر
طرف دیگر را خلاصه کنیم .

این ، مسئولیت پدر با مادر است که روشهای
مفید برقراری ارتباط و گفتگو را به فرزند
بخوانش نشان دهد ، مثلاً این روشها را :

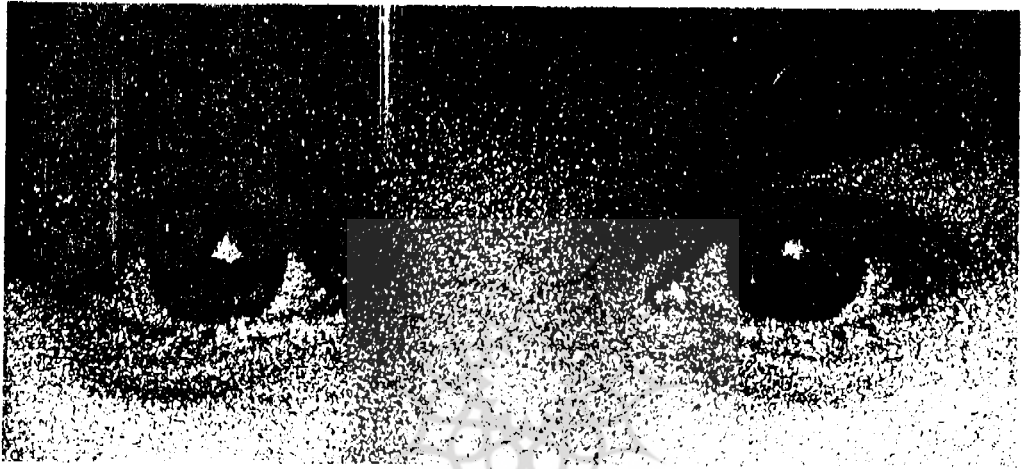
بادعت گوش کن .

خلاصه گفتند طرف مخالف را تکرار کن .
از انتقاد و با اسم تهمت زدن و بدگفتن پرهیز
کن .

نظریات خودت را بیان کن .

ما آنگاه که با گوش سوم گوش می دهیم و با

شناسائی کودکان



ممکن است در تمام دوران زندگی خود شناخته نشوند و کسی به نوع ذاتی آنان پی نبرد. از معلمین این کودکان نمی توان به عنوان الگوئی برای شناسائی آنان استفاده نمود بنابه نظریه "لنا هولنیک ورت" (که خود نیز از لحاظ هوش سرآمد بود) بسیاری از کودکانی که بهره هوشی آنان ۱۷۰ است معلمینی دارند که بهره هوشی آنان از ۱۲۰ نیز تجاوز نمی کند و عدم شناسائی دقیق معلمین از کودکان اغلب سبب می شود گزارشاتی مبنی بر مزاحمت این کودکان در کلاس ارائه نمایند و آنانرا کودکانی ناسازگار و گستاخ و بیعلاقه به مدرسه قلمداد کنند .

تقریباً " موضوعات عمده و مهمی که باعث

روانشناسان و متخصصین تعلیم و تربیت کودک به این نتیجه رسیده اند که تقریباً " دو در صد از افراد یک جامعه تیز هوش می باشند و در مقابل این درصد کم ، ۶۸ درصد دارای هوش طبیعی هستند . ذکر این ارقام نباید در خواننده نگرانی ایجاد کند بلکه در این مقاله سعی شده است تا افراد تیز هوش از بین افراد طبیعی شناخته شوند تا از استعداد و نبوغ آنها در جهت بکارگیری راه صحیح بهره گرفت . البته این امر بسادگی قابل توصیف نیست ، برخلاف سایر کودکان استثنائی (عقب ماندگی ذهنی ، و نقص بینائی نقص شنوائی) که حتی به سادگی توسط افراد و اشخاص عادی شناخته می شوند کودکان تیز هوش

تیزهوشی



شناخت نوزادان و کودکان تیزهوش می شود
بقرار زیراست :

۱ - خیلی زود لیخند اجتماعی می زنند
زمان چنین عملی حدوداً " درروز سوم یا چهارم
تولد می باشد. البته منظور از لیخند اجتماعی
لیخندی است که کودک درمقابل انسانی می زند
چه بسا ممکن است کودکی خود بخود لیخند
بزند ولی این لیخند اجتماعی نمی باشد .

۲ - توجه و کنجکاوی آنها نسبت به محیط
زیاد است. در همان ابتدا مرتباً " به این طرف
و آن طرف نگاه می کنند .

۳ - به محرکات محیطی مثل نور، سر و
صدا... خیلی حساس هستند و خیلی زود
متوجه تغییرات محیطی می شوند .

۴ - حرف زدن آنها خیلی زود انجام می-
شود (حدود ۱۲ ماهگی) لازم به یادآوری است
که کودک در یکسالگی شاید بیش از ۳ الی ۴ کلمه
بداند که درمقایسه با کودک طبیعی اختلاف
زیادی ندارد ولی در ۲ سالگی حدود ۱۰۰۰ کلمه
می داند که درمقایسه با کودک طبیعی (۲۰۰ تا
۲۴۰ کلمه) زیادتر می باشد .

۵ - بازیهای تخیلی زیاد و متنوع می دانند
مانند مهمان بازی، دکتر بازی و...

۶ - تمرکز قوای آنها بسیار زیاد و طولانی
است . در سنین پائین وزیر یکسالگی ممکن است
دقایق زیادی تلویزیون را تماشا کنند .

۷ - حافظه بسیار قوی دارند.

۸ - در اکثر کارها از خود خلاقیتی نشان
می دهند. این خلاقیت بخصوص در نقاشی بیشتر
دیده می شود .

۹ - درمقایسه با همسالان خود مشکلات و
مسائل را خیلی زود و راحت حل می کنند .

۱۰ - خواندن و نوشتن را خیلی زود یاد
می گیرند (عموماً " ۴ سالگی)

۱۱ - تقلید آنها بسیار زیاد است. البته
تقلید در حضور الگو را زودتر و راحت تر انجام
می دهند .

۱۲ - اختلاف و تشابه اشیاء را خیلی زود
تشخیص می دهند .

ولی در مجموع می توان گفت زود حرف زدن
هشیاری، تمرکز حواس طولانی از بین عوامل
یاد شده حائز اهمیت بیشتری هستند .

علت یا ایتولوژی تیزهوشی

۱ - وراثت : در این باره بطور خلاصه می-
توان ذکر کرد که مسئولیت کلیه فعل و انفعالات

کودکان اجرا می‌نمایند باعث می‌شود که کودکان فرصت لازم برای رشد و نشان دادن روش‌های صحیح خود را نداشته باشند.

اصولا " بنظر می‌رسد که والدین هدفهای معقولی دارند ولی روشهای نامناسبی (نامعقولی) برای رسیدن به هدف خود انتخاب می‌کنند. اینکه کودکی درس بخواند و یا تربیت صحیح داشته باشد هدف منطقی و قابل قبولی است اما اینکه با چه روشی می‌خواهند به این هدف برسند اهمیتی بالاتر از هدف در نظر گرفته شده دارد و یکی از بدترین روشها و تکنیکهای انتخابی آنان تنبیه و توسل به اصل زور است آنچه که باعث می‌شود از چنین تکنیکی استفاده گردد، آنی بودن نتیجه آن است ولی باید گفت به همان نسبت که نتیجه آن آنی و لحظه‌ای است عمر آن نیز دوامی نخواهد داشت. با زور و تنبیه فقط ظاهر قضیه ممکن است تغییر کند ولی محتوا و اصل آن می‌ماند با این تفاوت که کودک در این حالت قدری در روش و روبه‌غلط خود مستحکم‌تر شده است.

کودکی که با جیغ کشیدن رفع نیاز می‌کند با سکوت و بی‌اعتنائی درمان می‌شود. یا کودکی که میل به پنهان کردن آشغال در زیر لباس خود را دارد با تکنیک اشباع (یعنی آنقدر به او آشغال بدهیم که سیر شود) معالجه می‌گردد.

اگر از زور که بعنوان ابتدائی ترین متسد اجرایی در بسیاری از خانواده‌هاست بگذریم به روشهای مناسب زیر برای افزایش هوش می‌رسیم:

- ۱ - سعی شود در یادگیریها تشویق صورت گیرد.

- ۲ - به تمام سئوالاتی که از جانب کودک مطرح می‌شود پاسخ گویند و اگر جواب آنرا نمی‌دانند

انجام شده در امور وراثت، زن است و از آنجائی که تعداد زنهای آدمی به میلیونها عدد می‌رسد هنوز تحقیق علمی که بتواند زنهای مسئول تیز هوشی را معرفی کند بعمل نیامده است.

۲ - محیط: از میان محیط‌های مختلف که دورا دور کودک تشکیل شده، محیط خانوادگی از همه با اهمیت تر می‌باشد. متأسفانه تکنیکهای غلطی که بسیاری از والدین برای کنترل رفتار



زود حرف زدن، هشیاری و تمرکز حواس طولانی از عوامل مهمی هستند که در شناخت کودکان تیزهوش مؤثرند.

صدا و غیره برای ادامهٔ حیات نیازمند است .

۷- برای تقویت هوش و وسایلی که در محیط خانه قرار دارند بهتر از وسایلی هستند که بعنوان سرگرمی و تفریح و تقویت هوش فروش می روند. اصولاً " کودک باهوش از هر وسیله‌ای ساده‌ای چیزی می سازد و سعی می کند از خود خلاقیت نشان بدهد. پس والدین سعی نکنند مانع کنجکاوی و دستکاری کودکان خود شوند .

زیرا کنجکاوی ← دستکاری ← تجربه ← چیزی جز افزودن هوش نیست .

در محیط اجتماعی ، مهمترین نقش را مدرسه ایفا می کند و در آن اهمیتی که معلم و مدرس دارد ، بیش از دیگران است . همکلاسیها بیشتر می توانند باعث رقابت و افزایش عمل کودک شوند که در جای خود مهم است ولی نقش اساسی را در شکوفائی هوش کودک ، معلم عهده دار است که این نقش در سنین بالا و حتی در دانشگاه نیز باقی می ماند. بسیاری از محصلینی که با معدل عالی موفق به قبولی در دانشگاه می گردند در دانشگاه نمی درخشند و بعضی از ادامهٔ تحصیل خودداری می کنند چرا که ممکن است در دانشگاه زمینه و میدان برای شکوفائی استعدادها مهیا نباشد و نتواند از دانشجوی مستعد و باهوش یک محقق در زمینه‌های علمی بسازد و فقط به داده‌های علمی بسنده شود چنین افراد باهوشی در مواجهه با چنین محیطی پس می‌زنند و از

صراحتاً " اعلام کنند که نمی دانیم سعی نکنند با جوابهای مبهم که گوینده خود به آن اعتقادی ندارد کودک راقانع کنند .

۳- اگر کودکی نمی تواند کاری را به درستی انجام دهد او را تحقیر نکنند بلکه سعی کنند با راهنمائیهای غیر مستقیم او را در انجام کاری دهند و اگر می تواند آنرا انجام دهد تشویق کنند تا خود او کار را تمام کند .

۴- کودک را در استفاده از تجارب محیطی قرار دهند. از همان کودکی او را از خانه بیرون ببرند. گردش و تفریح در خارج و دیدن مناظرو موضوعات خارج از خانه برای او بسیار مهم است کودک در بازگشت به خانه تمام وقایع را ثبت خواهد نمود و این عمل باعث افزایش یادگیری ذهنی وی می گردد . و در نتیجه سعی در تقلید موضوعات خارج از خانه خواهد کرد و این عمل یعنی تقلید صحیح باعث افزایش هوش وی می شود .

۵- اطلاعات زیادی در اختیار کودکان قرار دهند زیرا در سنین کودکی منبع اطلاعات کودک دیگران می باشد و از دیگران می آموزد و فقط وقتی که به سنین بالاتر می رسد به ابداع و ابتکار دست می زند .

۶- او را در دسترسی به محرکهای طبیعی مناسب قرار دهند. انسان در طبیعت بسزرگ می شود و به محرکهای محیطی مثل نور و سرو

شیشه شیر خود را در دست بگیرد (۴/۵ تا ۹ ماهگی) تا پایان این مرحله کودک نگهداری ذهنی ندارد. یعنی اینکه هر چه که پیش رویش باشد در جهان بینی او وجود دارد و اگر نباشد وجود ندارد. مهمترین تحولی که از این پس در وی حاصل می گردد این است که در او نگهداری ذهنی بوجود می آید و می تواند چیزهایی که در پیش روی خود نمی بیند بیاد آورد، مثلاً "جانچه سنی را از کودک در این سن گرفته پنهان کنیم دنبال آن خواهد گشت."

د: تشخیص هدف از وسیله: مثلاً "اگر کودکی عروسکی را که روی یک پارچه قرار دارد، بخواند و تصادفاً پارچه را بکشد متوجه خواهد شد که می تواند از پارچه به عنوان وسیله ای برای رسیدن به عروسک استفاده کند (۹ تا ۱۲ ماهگی)"



بیشترت باز می مانند.

اصولاً " محیط می بایست دونقش اساسی را ایفا نماید :

الف : ایجاد زمینه مساعد جهت شکوفائی هوش و استعداد .

ب : پذیرائی، قبول علم و تقویت صاحبان علم ، تا انسانها از اینکه می دانند نهراسند و افتخار کنند که می دانند و آنچه را که می دانند بیان نمایند زیرا در محیطی که زور حاکم است نادانی نعمت است .

رابطه هوش و وضع اقتصادی

بر اساس مطالعات و تحقیقات "ترمن" وضع اقتصادی با هوش رابطه مستقیم دارد .

بظور متوسط و بصورت کلی خانواده هایی با طبقه اجتماعی بهتر چون امکان رشد بیشتری برای فرزندان خود دارند امکان افزایش هوش و رشد هوش فرزندان شان بیشتر است. البته لازم به تذکر است که تیز هوشی مخصوص خانواده های مرفه نیست .

مراحل رشد هوشی از نظر "پیازه" در کودکان شرح زیر می باشد :

۱- مرحله حسی، حرکتی (از تولد تا ۲ سالگی)

الف : بازتابهای کلی : کودک در بدو تولد به کمک این بازتابها زنده می ماند مثل مکیدن شیر (از تولد تا ۱/۵ ماهگی)

ب - شرطی شدن و تشکیل نخستین عادات : بدین ترتیب که کودک بوسیله پستانک که هیچ شیری از آن خارج نمی شود شرطی می شود (۱/۵ تا ۴/۵ ماهگی)

ج : هماهنگی که می تواند بین دودست و پا دست و چشم باشد . با هماهنگی اعضای مذکور



ه: ابزار شناسی. کودک می تواند از ابزار مناسب جهت رسیدن به هدف مورد نظر استفاده کند (۱۲ تا ۱۸ ماهگی)

و: بصیرت. کودک قادر به حل مسئله خواهد بود مثلا " اگر چیزی روی کمد قرار داشته باشد و کودک نتواند خودرا به آن برساند سعی می کند با انتخاب وسیله ای مثلا " چند کتاب یا صندلی که زیر پای خود می گذارد خود را به شیء مورد نظر برساند (۱۸ تا ۲۴ ماهگی).

۲ - مرحله پیش عملکردی (۲ تا ۷ سالگی)

الف: ظهور زبان

ب: ظهور کنشهای سمبلیک مانند مهمان

بازی

ج: تقلید درغیاب الگو، کودک در این سن رنگها را می شناسد و بزرگی و کوچکی را می داند منطق ردیف کردن را بشکل ناقص یاد می گیرد. در این مرحله کودک ابقاعات (یعنی درک ماهیت و واقعیت شیء علیرغم تغییر فیزیکی در آن) را درک نمی کند.

۳ - مرحله عملکردهای عینی (۷ تا ۱۱

سالگی)

کودک ابقاعات طول، جرم، حجم و... را درک می کند و در وی بازگشت پذیری و درک ابقاعات حاصل می شود. کودک در این سن قادر به فرض مسائل غیرعادی نیست.

۴ - مرحله هوش انتزاعی (۱۱ تا ۱۵ سالگی)

الف - قادر به درک فرضهای غیر عادی می باشد.

ب - استنتاج که نوجوان قدرت نتیجه گیری

از دو امر مربوط بهم را پیدامی کند.

$$\begin{matrix} A=B \\ B=C \end{matrix} \implies A=C$$

ج: ترکیب - نوجوان می تواند پدیده های

گسسته و مجزا را به کمک ذهن تبدیل به یک رشته پیوسته کند. کودک در این مرحله می تواند مفاهیم انتزاعی مثل سفیدی، زستی، زیبایی را درک کند.

رشد هوش در کودک تدریجی و منوالی است و نارسایی در هر مرحله در تمام مراحل بعدی اثر معکوس می گذارد پس چنانچه کودک را در یکی از

لطفاً " ورق بزنید



آشکارترین نتیجه نیزهوشی یک دختر دبستانی زیاد کردن کارلباسشوئی مادرش بود چرا که معلم وی برای سرگرم کردن کودک در کلاس او را وادار به تمیز نمودن تخته سیاه و نظافت دیگر وسایل می کرده در حالیکه کودکان دیگر مشغول و سرگرم به درسهای خود بودند .

"ورث" صریحا "تأکید نموده برنامه درسی معمولی برای آموزش کودکان استثنائی یا بهره هوشی زیاد فقط رفع کننده قسمتی از احتیاجات آنان می باشد ، در حالیکه این قبیل کودکان احتیاج به فرصتهای لازم و کافی برای نشان دادن رویه های صحیح ، نسبت به خود و نسبت به دیگران و کسب صلاحیت و شایستگی به عنوان یک موجود اجتماعی دارند .

برای پاسخگویی به چنین مسائلی سه طرح زیر پیشنهاد گردیده که در کشورهای مختلف جهان بر اساس نوع بینش و امکانات یکی از سه راه را به مورد اجرا در می آورند .

مراحل رشد هوشی یا تکنیکهای غلط و غیراصولی متوقف کنند در مراحل رشد هوش بعدی رکود پیش خواهد آمد . و از آنجائیکه تقریبا " حداکثر سن رشد و باروری هوش (افراد طبیعی و معمولی) ۱۵ سالگی است در نتیجه بصورت فردی یا بهره هوشی کم باقی خواهد ماند .

با توجه به زندگی دوران کودکی نوایغ عالم به این نتیجه می رسیم که تشخیص کودکان تیزهوش از نقطه نظر اینکه آنها در کودکی و در سنین پائین خلاق و مستعد بوده و یا اینکه مانند اینشتین ، ولتا و یا مندل و همواره مشکلاتی از جانب معلمین و یا والدین خود داشته اند آسان و به آن سادگی که تصور می شود امکان پذیر نمی باشد و این مسئله ای است که مراکز کودکان تیزهوش می بایست بدقت با آن برخورد نمایند .

"ورث" ضمن اشاره به یک کودک تیزهوش اظهار می دارد :

۱ - شتاب - در هر سال تحصیلی بیش از یک کلاس خواندن، و اگر چنین روشی با دقت اتخاذ گردد ممکن است موفقیت و پیشرفت قابل توجهی نصیب کودک شود. عدم موفقیت در بکارگیری چنین روشی کودک را با مخاطراتی مواجه می - سازد و یا طریق دیگری از شتاب اینست که کودک تیز هوش قبل از سن مقرر تحصیلی به مدرسه پذیرفته می شود. (سن عقلی) اصولاً " در کشور ما این روش کماکان ادامه دارد و کودکانی که قادرند دو کلاس را در یک سال بگذرانند با شرایطی این کار را انجام می دهند.

۲ - استفاده از برنامه غنی یا کامل: ایمن برنامه بر اساس توجه به اختلافهای فردی برای تمام بچه‌هایی که می‌توانند از آن استفاده کنند تهیه و تنظیم می‌شود. کودکان تیز هوش ضمن اینکه در کلاسهای عادی بسر می‌برند و از برنامه آموزشی مشترکی با کودکان معمولی استفاده می - کنند می‌توانند از برنامه‌هایی که به عنوان تکمیل کننده و اغناء کننده آنان در زمینه‌های مختلف می‌باشد در ساعات و برنامه‌هایی مجزا از برنامه اصلی استفاده نمایند.

۳ - مدارس و کلاسهای ویژه تیزهوش در این روش تمام کودکانی که از هوش بالایی برخوردار می‌باشند در مدارس و کلاسهای خاص گردآمده و به فراگیری دانش و دروس علمی خود می‌پردازند.

در کشور ما آموزش و پرورش کودکان تیز هوش بیشتر محدود به این روش شده است.

صرف نظراً از اختلاف نظریاتی که در مورد کودکان تیز هوش بیان شده ولی بهر طریق با توجه به محدودیت در تعداد نفراتی که از چنین هوشی برخوردار هستند و اینکه این افراد به عنوان ثروتهای ملی و متفکران واقعی نسل آینده

بحساب می‌آیند شاید بهترین کار ایجاد مراکزی خاص جهت تعلیم و پرورش این کودکان می‌باشد چه کودکانی که از نظر هوشی در سطح بالایی قرار دارند اغلب برای پدر و مادر خود و آشنایان بصورت مشکلی جلوه می‌نمایند مگر آنکه ضمن جدانمودن آنان از سایر کودکان فرصتهای بهتری برای شکوفائی استعداد و نبوغ آنها فراهم سازند که در این مهم برنامه اساسی در طریق شکوفائی ذاتی است نه در جهت ممتاز سازی عده‌ای بصورت و عنوان تیزهوشان اجتماع.

بهر حال اگر چنین کودکانی شناخته نشوند و تحت مراقبت خاص قرار نگیرند ممکن است از استعداد و نبوغ خود در جهت ناصحیح استفاده نموده و به صورت فردی بزهکار و منحرف درآیند. و نکته‌ حائز اهمیت در شیوه تدریس در مدارس کودکان استثنائی اینست که اساس و شالوده برنامه بر تحقیق و استقلال عمل ورآی باشد و اگر قرار باشد در این مدارس به مطالعه حجم زیاد کتب پرداخته شود هرگز اصول اساسی تاسیس این مدارس که همانا سازندگی و شکوفائی اندیشه و بارور ساختن نبوغ و استعدادها می‌باشد اجرا نخواهد شد، و چنانچه این برنامه در مدارس عادی نیز اجرا گردد تقریباً " به نتایجی مشابه با آنچه که کودکان استثنائی نصیبشان می‌شود خواهد انجامید.



نخن در زدن بزوم این چنین است نخن در زدن بزوم این چنین است

موضوع: وداع

لحن:

کلمه‌ای که بر قلبم نوشته و بر مغز من حکاکی شده، ماهی که عطر صمیمیت می‌دهد. اسمی که
مظهر فصل شغاف را ملاحظیات است. دوستی خدیوی با کتا هدراه با کوه با روی از هم رانده
نامت با هرگز فراموش نخواهم کرد. ماهی که نطفی گاه مرغانی و فلک‌گاه افشاری است
با نگاه به شمال جوایت یاد می‌آیدم خاطرات بلندی را که چون هری لریه بر تار وجود و غنوم می‌اندازد...
در تمام سستی‌ها را برای راهی من در جان فرودی. هر هر ریزی را چسبیده‌ی دیم در این سیاه رویی، بجای آنکه
مانند اشخاص دیگر آسوده در خانه باشی. درون دستک ما ناصح می‌آرمیدی تا من راهت در منزل ستاده
ظن ما رو غربت و گرگ و شیر و همپاره و با ساده تر گویم مرگ برایت معنی نداشت چرا که می‌گفتی مال

عمر سه پریش نیست

والا که برف پیری بر سر و رویت نشسته و گل چهره ات پژمرده گشته ، اکنون که کمر درد و پادرد و فشار خون و ... اموات را بریده ، دست خراعات را پوک و عقربت کرده ، هم اینک که چشمتان توان دیدن را از دست داده و زبانانت گویای صفات نیست ،

نصیحت بی شماره آماده و قلبت غمناکتر می گردد می خواهم همانگونه که تسع و جویست برایم سوخت ، برایم بسوزم . همانطور که پژمرده شوی تا شکفته شوم ، پژمرده گردم تا شکفته گردی ، دعوت دارم همچون فرشته در افرات بی پروا از برایم و در گوشت

نرمه کنم که دوست دارم و ترا آتش میکنم . اکنون که دست روی کار میلی تلخ

بیبی را بر گوشت می نوازند و میفراهند ترا از من جدا کنند . به تو میگویم ، میگویم که پس

از حرکت می خواهم شامه ای از درخت زیتون بشکنم تا آن را بالای سرت در زمین بنام .

این مصترین نشانه عشق باور دانی من نیست ، خواهی دید . آنگاه آن شامه را با آب دیده

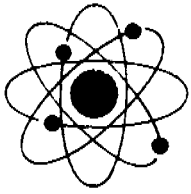
آبیاری خواهم کرد . احساس میکنم آن شامه شیطان بود درخت نادانی خواهد شد و سایر

خواهد داد و تو با او دانه خواهی گشت . باشد که در برگ برگ آن درخت نادانی

بنفوس : پدر دوست دارم و در دانه دانه هسته هایش بینی که نام از بیاسی " پدر "

تو چون نلب من جاودان و همیشه بی من نزدیک خواهی بود .

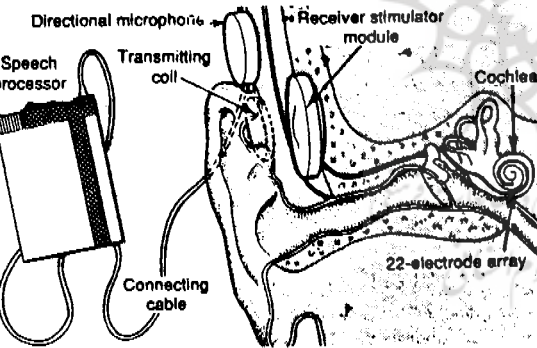
خدا حافظ معزاد حقیر است



گفتنی‌های جهان علم

می‌کند.

این تکنولوژی در خلال ۱۰ سال گذشته و توسط گریم "کدارک" و همکارانش در دانشگاه ملیبورن، مرکز تحقیقات رشد انسانی، تهیه و تکمیل شده بود. شرکت نیوکلئوس که در سیدنی واقع است در حال حاضر سرگرم ساخت و بازاریابی این محصول در استرالیا، اروپا و آمریکا می‌باشد. حدود ۲۰۰۰ نفر در ۲۶ کشور جهان



هم اکنون حامل گوش بیونیک می‌باشند. بیشتر دریافت کنندگان این دستگاه، بزرگسالانی هستند که از زمان تولد ناسنوا شده‌اند.

کوچکترین دوربین فیلمبرداری جهان

کوچکترین دوربین فیلمبرداری جهان، درست با اندازه یک قوطی کبریت است. این دوربین

گوش بیونیک!

یک خبرنگار از بندینگو در استرالیا، اولین فرد در جهان است که دو گوش بیونیک دریافت می‌کند. پیتز ستووارت که بعد از یک سانحه، انومبیل در سال ۱۹۶۱ ناسنوا شده بود، هفته گذشته یک آنتن ۲۲ الکترونی را در صدف گوش جیش دریافت کرد. پنج سال پیش دستگاهی مشابه این را در گوش راست او نصب کرده بودند. صدف گوش که یک لوله ماریچی و شکل صدف یک حلزون است، بخشی از گوش داخلی را تشکیل می‌دهد و حاوی ۱۰۰۰۰ سلول موئین است که ارتعاشات صوتی را به سیگنال‌های الکتریکی تبدیل می‌کنند. این سیگنال‌ها، اعصاب را تحریک می‌کنند و اعصاب نیز محرک‌ها را به مغز گسیل می‌دارند که بصورت صدا درک می‌شوند. یک میکروفون صداها را می‌گیرد و به یک بردارنده کوچک مخابره می‌کند. این بردارنده اصوات را به فرکانس‌های متفاوت تقسیم می‌کند. یک گیرنده که درست در زیر حنجره و در استخوان پشت گوش تعبیه گردیده، صوت تصعبه شده را از بردارنده دریافت می‌دارد و بعد آن را به الکتروود متناسب با آن در صدف گوش گسیل

مدت و کوتاه مدت - باهم باید مخلوط کرد
چندان مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

در هر حال، شرکت "دراتا" واقع
در مینیا پولیس، سرنگ "جت انژکتور" جدیدی
اختراع کرده است که تزریق با آن بدون درد بوده
و مبتلایان بدبیماری قند میتوانند با آن هر نوع
انسولینی را بخود تزریق کنند. بعلت اینگه
سرنگ جدید "مسدی ژکتور ۲"
نسبت به همتهاهای پیشین خود ظریف تر است و
بهرتر میتوان آنرا تنظیم کرد بنابر این براحتی
هر نوع انسولینی را که باهم مخلوط شده باشد
بدون احساس درد با آن تزریق می‌کنند. این
سرنگ هم میتواند مورد استفاده نوجوانان قرار
گیرد وهم سالمندان از آن سود خواهند برد.
مبتلایان بد بیماری قند بمنظور استفاده از این
سرنگ شیشد محتوی مقدار معینی از انسولین را به
دستگیردای تاشو وصل کرده تا مایع انسولین از
طریق آن به داخل حفره سرنگ هدایت شود و
همزمان با آن فیزی را که در داخل این حفره
است جمع می‌کند. بیمار که از این سرنگ استفاده
می‌کند با چرخاندن دستگیره، فنر را تا حدی
که دقیقاً "برای فشار آوردن بر مایع انسولین و
تزریق آن بد بدن لازم است جمع خواهد کرد.
سر سرنگ را روی پوست بدن فشار می‌دهند و
آنکاه با وارد کردن فشار بر روی دکمه مربوطه
تزریق صورت می‌گیرد.

کامپیوتر و مداوای افسردگی

سمازان مبتلا به افسردگی که به طور
آزماسی تحت درمان در زیر نظر کامپیوتر قرار
گرفتند، دقیقاً "به اندازه" آنهایی که با یک
درمانگر انسانی مشورت کرده بودند، از خود

فیلمبرداری کوچکترین دوربین الکترونیک جهان
است و تنها ۷۵ گرم وزن دارد. دو مهندس
فرانسوی سازنده آن نامش را میگام
کذاشته‌اند. میگام ۲/۴ سانتیمتر طول ۳/۶۰
سانتیمتر عرض و قطر دارد. میگام، که در ماه
فوریه ۱۹۸۵ وارد بازار فروش شد، حدود ۶۰۰۰
فرانک فرانسه (بقیمت رسمی حدود ۵۹۰۰ تومان)
قیمت دارد و با احتمال قوی از دورقیب آلمانی و
ژاپنی خود پرفروش‌تر خواهد بود. از کوچکترین
دوربین فیلمبرداری جهان که احتمالاً "یک
میلیون خریدار خواهد داشت، در ساختمان
دستگاهها و ماشین‌آلات اتوماتیک، وسایل پزشکی
دستگاههای فضائی، چشم الکترونیکی دستگاههای
اقیانوس شناسی و البته و صد البته جاسوسی،
استفاده خواهد شد.

سرنگ جدید برای مبتلایان به بیماری قند

بیش از ۱۲۰ میلیون نفر در سراسر جهان بد
بیماری قند مبتلا هستند که حدود ۱۰ درصد
آنها باید بخاطر زنده ماندن، روزانه بمیزان
معینی انسولین بخود تزریق کنند. تا ۱۰ سال
پیش برای این منظور از سرنگ‌های زیر جلدی
استفاده میشد. در سال ۱۹۷۴ "جت انژکتور"
اختراع شد که بیماران دیابتی را از سرنگ‌های
قبلی بی‌نیاز می‌کرد. استفاده از این وسایل از
زمان جنگ دوم جهانی تاکنون در بین نظامیان
آمریکائی متداول بوده است. در اینگونه
سرنگ‌ها بجای اینکاه از خلال استفاده شود و
مایع درون آمیول بد داخل سرنگ مکیده شود از
نیروی فنر سود می‌برند که درد ناشی از تزریق را
کم می‌کند. اما از این سرنگ‌ها در تزریق انسولین
که انواع مختلف آنرا - از نظر تاثیر در دواز



ویسکانسین درمیدسون است با بیان مطلب فوق افزوده که درمان کامپیوتری را می توان شب و روز وبا هزینه ای احتمالاً برابر ۵ سنت در ساعت در اختیار متقاضیان گذاشت . او گفت که کامپیوتر بر خلاف یک درمانگر " هیچوقت اخم و تخم نمی کند . "

گریست که در مصاحبه ای سخن می گفت افزود که در عین حال ضروری است تا عوامل انسانی وضع و شرایط موحود بیماران را برای درمان مشخص کنند و چنانچه کامپیوتر نتواند به طور صحیح بیمار را مداوا کند ، آنها شخصاً اقدام نکنند . گریست همچنین گفت که روش درمانی مورد استفاده در این تحقیق برای افرادی سودمند است که دارای افسردگی خفیف با متوسط هستند .

در این پژوهش ، بدشرف ۱۲ فرد مبتلا به

علایم بهبودی نشان دادند . لذا می توان چنین استنباط کرد که برای وضعیتی که میلیونها نفر به آن مبتلا هستند ، درمان اقتصادی تری یافته شده است .

پژوهشگری به نام جان گریست می گوید که اگر تحقیقات بیشتری نوید مؤثر بودن درمان کامپیوتری را بدهد ، این روش درمانی می تواند به حدود یک سوم از افراد مبتلا به افسردگی باری برساند .

افسردگی در طول هرسش ماه حدود ۱۰ میلیون آمریکایی را مبتلا می کند . درمانگران انسانی در حال حاضر فقط می توانند کسر کوچکی از این تعداد را درمان کنند ، حال آنکه استفاده از کامپیوتر به جامعه بزرگی امکان دستنابی به تعداد بیشتری از این بیماران را می دهد .

گریست که استاد روانکاوای دانشکده پزشکی

باسخ به سئوالات چند گزینه‌ای کامپیوتر روند هر جلسه و جلسات بعدی را تشکیل می‌داد. درمان عملی شامل آموزش نکات اساسی درمان درکی - رفتاری، تست میزان فهم شخص از درسها، و دادن تکالیف است. این تکالیف، بسته به مشکلات ویژه هر فرد، ممکن است شامل کارهایی مثل مطالعات مشخص، فکر کردن در مورد دلایلی ضررتر برای بی‌اعتنایی و اینکه فرد هر روز خود را به افراد جدیدی معرفی کند تا بفهمد که همیشه هم طرد نمی‌شود، است.

تحلیلهای انجام شده روی این پژوهش نشان داد که از نظر گروهی، بیمارانی که تحت درمان کامپیوتری قرار گرفته‌اند به اندازه افرادی که در گروه دیگر درمانی قرار داشته‌اند بهبود حاصل کرده‌اند، و این امر هم در زمان پایان دوره درمان و هم دوماه بعد از آن مشهود بوده است، هر دو گروه بر مراتب بیشتر از گروهی که هیچ درمانی دریافت نکرده بود پیشرفت داشتند.

این پژوهش در شماره ژانویه، نشریه آمریکایی روانکاو، به قلم سلمی، گریست و چند تن دیگر از این دانشگاه منتشر شده است. بی. بایرم کارسوا، اسناد روانکسای در دانشکده پزشکی آلبرت اینستین در نیویورک پژوهش فوق را مهم خواند.

اما او کوسزد کرد که درمان درکی - رفتاری عموماً "کمتر از سایر روشها از جمله دارو درمانی کارآیی دارد."

او همچنین تاکید کرد که با وجودی که کامپیورها ممکن است در برخی ابعاد روان درمانی مفید باشند، اما نمی‌توانند کاملاً جای درمانگر انسانی را بگیرند.

افسردگی را که تحت مداوای یک کامپیوتر قرار گرفته بودند، با ۱۲ نفر که با درمانگر مشورت کرده، و ۱۲ نفر که در طول آزمایش هیچ درمانی دریافت نکرده بودند، با هم مقایسه کردند. دو گروهی که تحت درمان قرار گرفتند، یک دوره ۶ هفته‌ای از درمان هفتگی درکی - رفتاری را دنبال کردند. هدف این روش این است تا الگوهای نادرست و مضری را که مردم بر اساس آنها نجارب خود را تفسیر می‌کنند، تصحیح نماید. مثل افرادی که گاه بگاه مورد بی‌اعتنایی و تحقیر قرار می‌گیرند و لذا این طور نتیجه‌گیری می‌کنند که کسی دوستان ندارد و بی ارزش هستند.

گریست گفت که کار درمانگر در این روش تا حدی یکنواخت است و ممکن است حالت تکراری پیدا کند. این امر باعث می‌شود تا روند درمانی به صورت "کاربرد بی‌اهمیتی از انسانها" تبدیل شود، اما در عین حال کاری است که بخوبی از عهده یک کامپیوتر بر می‌آید.

کامپیوتری که با استفاده از برنامه‌ای که توسط بولت سلمی، یکی از دو پژوهشگر این موضوع طراحی شده است، سئوالاتی از این قبیل رامی برسد: چه مدت است که شخص احساس افسردگی دارد و چه فعالیتهایی در یک فهرست داده شده باعث احساس بهبودی در او می‌شود. کامپیوتر همچنین در مورد نشانه‌های بخصوص سئوال می‌کند. از فرد می‌خواهد تا درجه شدت افسردگی خود را روی یک مناس استاندارد مشخص نماید.

گریست گفت که به این طریق، کامپیوسر می‌تواند ایده تقریباً "دقیقی را آزمایش است افسردگی شخص پیدا کند."

پلاستیک عایق، هادی

الکتریسیته شد!



پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پلاستیک هادی جریان الکتریسیته مبدل کرد .
 دکتر اصغر محمدی خنامان ، دریک گفتگوی
 بی تکلف با سادگی و تواضع یک ایرانی اصیل
 می گوید : نه پدرم که اولین معلم دردیستان
 دهستان خنامان از توابع شهر رفسنجان در
 استان کرمان بود قول دادم : راحت باش روزی
 بایشنکار درکار تحقیق اسم ایران و اسلام رابه
 خواست خداوند بلند آوازه خواهم کرد .
 دکتر محمدی امروز پس از اختراع تازه ترین
 بدیده درجهان صنعت و علم پلیمرها و پلیمرهای

تاچندی پیش پلاستیک هادی جریان برق
 نامی نا آشنا برای جهانیان و قطره آب زلالی
 برای تشنگان بی زوشگر و محققان علوم شیمی
 فیزیک و الکترونیک در منظمترین آزمایشگاه های
 جهان بود .

یک محقق جوان ایرانی اخیراً " با اثبات
 حقانیت ابداع و اختراع خود در محافل علمی
 جهان ، این ناباوری را به باور نشاند ، و پلاستیک
 را که سالها به عنوان عایق شناخته و از آن
 استفاده می شد با ارائه دوروش علمی و جدید

من اصغر محمدی خانمان متولد ۱۳۲۸ هجری شمسی در دهستان "خانمان" از توابع وروستا های شهرستان رفسنجان در استان کرمان هستم .
تحصیلات ابتدائی ام را زیر نظر پدرم که معلم دبستان روستای "خانمان" بود به پایان رساندم و برای تحصیلات دبیرستانی به شهر کرمان آمدم .

در سال ۱۳۴۷ تحصیلات دانشگاهیم را در دانشگاه صنعتی شریف در دانشکده مهندسی متالوژی شروع کردم و در سال ۱۳۵۱ هجری - شمسی دانشنامه مهندسی متالوژی را دریافت نمودم .

پشتکار و فعالیتهای شبانه روزیم در رابطه با به پایان رسانیدن تز مهندسیم مورد توجه یکی از اساتید دانشگاه که خود فردی فعال و محقق برجسته بود ، قرار گرفت و بلافاصله بعد از خاتمه کارم از طرف وی پیشنهاد همکاری دریافت کردم .
- لطفاً در مورد اولین فعالیتهای پژوهشی تان در ایران توضیحاتی برایم بیان فرمائید .

بعد از پایان تحصیلات و فارغ التحصیلی از دانشگاه صنعتی شریف ، با فعالیتهای مداوم و مبارزه با مشکلات اقتصادی فراوان مرکز تحقیقات و کاربرد مواد رادیواکتیو را در دانشگاه صنعتی شریف پایه گذاری کردیم .

به طوریکه بعد از گذشت چند سال و با تاسیس "سازمان انرژی اتمی ایران" این مرکز به صورت یکی از مراکز فعال این سازمان جدید - التاسیس درآمد .

باید اشاره کنم که به صورت افسر وظیفه مامور خدمت در دانشگاه شدم و دوران مقدس سربازی را به صورت اشتغال به امور تحقیقاتی گذراندیم .

هادی با بهره گیری از تجارب تسدریس در دانشگاههای سوئد، ارائه سمینارهای علمی بین المللی و به دست آوردن نتیجه از تحقیقات چندین ساله در پیامی به هموطنان درون و بیرون کشور و علاقه مندان به خودکفائی صنعتی کشور می گوید :

... ما می توانیم ، و ماهیچ چیز از زاینیها آمریکائیها و غربیها کمتر نداریم .

وی جامعه پژوهشگران ، محققین و نوآوران را به پیوستن و بارور کردن ایران در جهت علم اندوژی و بازگرداندن عظمت علمی گذشته ایران دعوت می کند و می گوید :

اینحانب بعنوان یک تحصیلکرده اروپائی دست خود را به سوی شما عزیزانی که پژوهشگر هستید ولی مقدرات کافی ندارید دراز نموده و به شما قول می دهم از کاری که در زمینه کمک به شما از دستم برآید دریغ نخواهم کرد .

با امید روزی که شما ابوعلیها ، بیرونیها و رازی های ایران که اطمینان دارم تعدادتان نیز زیاد است دست در دست پسر یک معلم دبستان روستائی بگذارید تا با کمک یکدیگر آینه شده استقلال صنعتی ایران را بسازیم . ما می توانیم .
تا به امروز به دنیا ثابت کرده ایم ایرانی جستجوگر ، پژوهشگر ، پویا و متحرک است . بیائید با هم افتخارات گذشته ایران را زنده کنیم و بار دیگر پیشگام علم گردیم .

بیائید با کمک یکدیگر کاری کنیم که خورشید علم نیز از شرق طلوع کند ، همانگونه که در صدر اسلام چنین بود .

آقای دکتر محمدی خواهشمندم خودتان را به طور کامل معرفی فرمائید و برای آشنائی خوانندگان پیرامون گذشته تحصیلی و آغاز کار پژوهشگری صنعتی توضیح فرمائید .

دربرگشت به ایران درصاحب هساو کنفرانسهای مطبوعاتی شرکت کردیم و کوشش نمودیم که پیام خود را به پژوهشگران مملکتمان برسانیم و در این راه تا حد زیادی هم موفق بودیم. بهیاد می آورم که در روزنامه اطلاعات مقاله‌ای طولانی در این رابطه نوشتم.

— تقاضا دارم راجع به این دو ابداع و اختراع بر ایمن توضیح بدهید :

دو اختراع ارائه شده در سال ۱۳۵۲، یکی دستگاه زنده‌یاب بود که بر اساس هوا رساندن به افرادی که در زیر آوار حاصل از زلزله محبوس شده و تشخیص محل حبس آنها با استفاده از گاز انیدرید کربنیک حاصل از بازدم طرح ریزی و ساخته شده بود.

و اختراع دیگر یک زلزله سنج اتمی بود که با آن شدت زلزله را اندازه می گیرند.

در سالهای ۵۴ - ۱۳۵۳ با استفاده از دانشهای آموخته در دانشگاه صنعتی شریف و مقدمات و امکانات مرکز تحقیقات و کار برد مواد رادیو اکتیو، در اجرای چند طرح تحقیقاتی مربوط به ایران و یک طرح تحقیقاتی بین‌المللی شرکت داشتم. و در اجرای مقدمات اولین طرحی که زائیده فکر خودم بود همت گماشتم. مناسبانه کار به پایان رساندن طرح و ثبت اختراع به مناسبت خروج از ایران ناتمام ماند.

— ممکن است در مورد علت خروج از ایران (سفر به خارج) و نتایج آن توضیح بفرمائید.

در این سالها (۵۴ - ۵۳) مرکز تحقیقات کاربرد مواد رادیو اکتیو، به سازمان انرژی اتمی ایران انتقال یافت و از آنجا که هدف ما خدمت به جامعه ایران بود تصمیم گرفتیم تا در مورد اکتشاف اورانیوم در ایران اقدام نمائیم. و بعد از بررسیهای لازم کشور بیطرف سوئد را جهت

از روز اول هدف اصلی ما به وجود آوردن یک جو تحقیقاتی در ایران بود و به شکر خدا در این امر تا حدودی هم موفقیت‌هایی نصیبمان گردید. — ممکن است در زمینه فعالیت‌های تحقیقی این دوره که اشاره کردید توضیح بیشتری بفرمائید.

در اواسط سال ۱۳۵۲ یعنی حدود یک سال ونیم پس از تاسیس مرکز تحقیقات و کاربرد مواد رادیو اکتیو در حالی که این مرکز هنوز به دانشگاه صنعتی وابسته بود دو اختراع این مرکز که بر اساس ایده‌های آقای دکتر علی سخاوت و کار شبانه روزی این جانب، مهندس فرانسداد و مهندس غازی عبدان به مراحل قابل ارائه رسید، به نمایشگاه اختراعات و اکتشافات بین‌المللی در شهر ژنو کشور سوئیس ارائه گردید.

در این نمایشگاه تعداد زیادی اختراعات جدید در سطوح و کلاسهای مختلف ارائه شده بود، اگر درست به خاطر داشته باشم اختراعات آن سال در ۲۵ کلاس طبقه بندی شده بود. در هر کلاس به اولین تا سومین اختراع مدال‌های طلا نقره و برنز تعلق می‌گرفت.

به خواست خداوند بزرگ دو اختراع ارائه شده از طرف این مرکز موفق به دریافت دو جایزه مدال طلا گردید. در مجموع کل اختراعات ارائه شده یک جایزه نیز به بهترین اختراع سال تعلق می‌گرفت که این جایزه هم توسط آقای دکتر علی سخاوت دریافت شد.

شور و هیجانی که در شب تقسیم جوایز در این جانب به وجود آمد یکی از دلایل علاقه من به تحقیق و نوآوری شد. من هیچوقت خاطره آن شب را که شبی افتخار آفرین برای ایران و ایرانی بود فراموش نمی‌کنم.

متخصص سوئدی تعدادی افراد را در این زمینه تربیت نمودم و با کوشش فراوان کار بسیار کوچکی را درسرخس گرفتم و کار عملی گروههای تربیت شده در آنجا شروع گردید. با امید به پیشرفت بتدریج موفق شدیم تا پروژههای بزرگتری را در اختیار گیریم.

از آنجا که احساس شدید به توسعه دانش خود می نمودم مجددا راهی کشور سوئد شدم تا با نوشتههای بیشتر و پروژههای جدیدی به ایران بازگردم.

— لطفاً بفرمائید این ایدههای تازه چه بودند؟ و در بازگشت به سوئد چه کردید؟

من براساس این طرز فکر کار خود را در سوئد آغاز نمودم و برای یادگیری در سطح کارگاه به صورت تکنسین ساده به یادگیری و احرائی جوشکاریهای مدرن پرداختم. دیری نگذشت که در همان کارگاه برای تدریس و تربیت جوشکار به کار خود ادامه دادم.

همزمان با شروع این فعالیت به فراگیری زبان سوئدی پرداختم و این زبان را در مدت کوتاهی تا حدی که بتوانم جوشکاری را تدریس کنم فرا گرفتم.

برای تقویت بیشتر زبان و فراگیری سیستم آموزشی سوئد در سالهای ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ به تدریس ریاضیات، شیمی، فیزیک و تکنولوژی جوشکاری در دبیرستانهای سوئد پرداختم. بعد از تسلط نسبی به زبان سوئدی و آشنائی به سیستم آموزشی یک کشور صنعتی برای یادگیری بهتر تقاضای ورود به دانشگاه صنعتی لین شویبنگرا نمودم و در دپارتمان مواد مهندسی وابسته به دانشکده مهندسی مکانیک این دانشگاه به کار تحقیق مشغول شدم در ورود به این دپارتمان

یادگیری و آموزش انتخاب کردیم. و اینجانب برای گذراندن دورههای تخصصی جستجوی معادن اورانیم، دستگاههای اندازه گیری تشعشعات رادیو اکتیو و تمییزات مقدماتی این دستگاه در اواسط سال ۱۳۵۴ به این کشور مسافرت نمودم.

در تمديد مدت اقامتم در سوئد کوشش نمودم که تولید "رادیو ایزوتوپها و استفاده های صنعتی" آنها را خصوصاً "در رابطه با" آزمایشهای غیر مخرب جوشهای لوله کشی گاز" فراگیرم.

در بازگشت به ایران به دلایلی که از حوصله این مصاحبه خارج است، متأسفانه موفق به احرائی پروژه جستجوی معادن اورانیم ایران نشدم و این مهم به دست کمیانیهای خارجی قرار گرفت. و تمام امیدهای مرا نقش بر آب کرد.

با این وجود تا حد امکانات و مقدرات خودم اقدام کردم که سرانجام باعث دلسرديم گردید. به فکر پیاده نمودن پروژه دوم یعنی ایجاد "گروههای متخصص برای آزمایشهای غیر مخرب لوله کشی گاز افتادم و با کمک یک مهندس

Plaster kan leda elektricitet

Agner Mohammadi disputerade den 22 november på en avhandling i tillämpad fysik, "Synthesis and Characterization of Electrically Conducting Polymers: Polypyrrole".

Mohammads avhandling handlar om ledande plaster. Att plaster skulle kunna leda elektricitet ansågs länge som helt otänkbart. Men idag är det verkligt.

Vid universitetet i Linköping har nyligen två metoder för framställning av elektriskt ledande plaster utvecklats, nämligen kemisk tillverkning av filmer från molekyler i gasform (CVD) och framställning i ett på förhand konstruerat mönster (templats polymerisation).

Det har föreslagits flera användningsområden för ledande plaster. Battener med ledande plastelektroder finns redan på marknaden. Ledande plaster kan även användas till klockor, elektriska uttabeller vid järnvägsstationer och flygplatser, kemiska sensorer och mycket annat.

Det mest intressanta med ledande plaster är att kunna kombinera ledningsförmåga med formbarhet och bearbetningsmöjligheter.

انعکاس خیر اختراع پلاستیک هادی برق در نشریه (Litenty) - دسامبر ۱۹۸۹





نکته قابل توجه اینکه پلاستیکها از ابتدای پیدایش شدیداً "مورد توجه مهندسين مواد جهت استفاده در صنايع قرار گرفتند. اين مواد دارای خواص مکانیکی قابل توجهند و به آسانی قابل فرم دادن هستند. از این مواد با آسانی می توان ورقه های بسیار نازک (فیلم)، صفحات با ابعاد مختلف، شکلهای گوناگون، شاخه های با قطر بسیار کم مانند شاخه مو و غیره تولید کرد، از این جهت تهیه پلاستیکهایی که بتوانند جریان الکتریسیته را هدایت نمایند از زمانهای گذشته آرزوی دانشمندان علم مواد مهندسی بوده است. در گذشته جنین پلاستیک هائی را با مخلوط کردن یک ماده هادی جریان برق به عنوان مثال ذرات زغال سنگ با یک پلاستیک عایق تولید می کردند که این عمل هیچوقت جوابگوی احتیاجات روز افزون صنعت نبوده است. تولید پلاستیکهایی که خود بخود هادی جریان الکتریسیته باشند از لحظهای به وجود آمد که یک محقق ژاپنی در سال ۱۳۵۳ (هـ.ش) مشغول تهیه پلاستیکی به نام پلی استیلین

باتوجه به تحصیلات دانشگاهیم در ایران و دوره هائی که در زمینه آزمایشهای غیر مخرب گذرانده بودم مسئول بررسی پروژه های شدم که از طرف صنایع پلاستیک سازی سوئد به این دیپارتمان واگذار شده بود.

— لطفاً در مورد ابداع پلاستیک هادی سابقه پلاستیک در جهان دانش و امتیازات این اختراع جدید و اثرات آن توضیحاتی بفرمایید.
— در اینجا لازم است که به طور مختصر در مورد پلاستیکهای هدایت کننده جریان توضیحاتی را ارائه کنم تا خوانندگان عزیز بهتر بتوانند در جریان کار اینجانب قرار گیرند:

— اگر حدود ۳۰ سال قبل کسی ادعا می کرد که پلاستیک می تواند جریان برق را هدایت کند مورد تمسخر قرار می گرفت زیرا همیشه از این مواد به عنوان عایق کننده ها استفاده کرده بودند.

اندیشه اینکه روزی بتوان پلاستیکی تهیه نمود که نظیر فلز مس قابلیت هدایت الکتریکی داشته باشد امری غیر ممکن به نظر می رسید.

که شکل گرفتن دوران اولیه زندگی در درس برد - باری و مقاومت بمن داده بود بعد از تلاش دوساله سرانجام موفق شدم .

- خواهشمندم در مورد روند و پیرویه به اثبات رساندن این اختراع در جهان ، زمینه های کاربرد آن و واکنش جهان دانش در قبال آن توضیحاتی بفرمائید .

از آنجا که این موفقیت مورد توجه محافل علمی دنیا قرار گرفت ، با هزینه سازمان توسعه تکنولوژی سوئد ، برای این نوآوری تقاضای ثبت اختراع شد .

پس از تقاضای ثبت اختراع حدود ۴ سال به مقابله با دانشمندان و کمپانیهای صنعتی مشهور آمریکائی ، ژاپنی ، چینی ، انگلیسی فرانسوی ، آلمانی وغیره که بر این اختراع خرده می گرفتند برخاستم تا سرانجام دردی مساه ۱۳۶۸ اداره ثبت اختراعات سوئد این نوآوری را به عنوان " اختراع " شناخت و آن را به اسم اینجانب و پروفسور راهنمای من ثبت کرد و پانته حق امتیاز آن را در اختیارمان قرارداد . امروزه تعدادی از کمپانیهای بزرگ صنعتی وموئسات تحقیقاتی ژاپنی وآمریکائی در توسعه این طرح فعالیت دارند و خود اینجانب نیز در مقاطع مختلف با شرکت درمجامع بین المللی طرح خودو استفاده های صنعتی آن را ارائه نموده ام .



بود و اشتباهها " هزار برابر بیشتر از یکی از مواد مورد استفاده در تولید این پلاستیک مصرف کرده بود . لازم به تذکر این نکته است که از گاز استیلن (گازی که در جوشکاری مورد استفاده قرار می گیرد) پلاستیکی تهیه می شود که پلی استیلن نام دارد .

این ماده پلاستیکی در سال ۱۳۳۵ (هـ.ش) توسط یک دانشمند ژاپنی کشف شده بود و محقق ژاپنی در سال ۱۳۵۳ نیز ادامه کار وی را دنبال می کرد که اشتباهها " پلی استیلنی تهیه نمود که پایه گذار علم پلاستیکیهای هادی گردید .

در سال ۱۳۵۶ (هـ.ش) اشتباه این محقق ژاپنی مورد توجه یک گروه از محققان آمریکایی قرار گرفت و بعد از آزمایشها و تحقیقات دامنه دار گروه محققان آمریکائی و ژاپنی نوعی پلی استیلن تهیه نمودند که قابلیت هدایت الکتریکی داشت .

متاسفانه این پلاستیک بسیار حساس بود و به مجرد وارد شدن به محیط عادی خواص الکتریکی خود را از دست می داد (تولید این پلاستیک در خلا انجام می شد) .

مدتها دانشمندان سرتاسر دنیا با کوششهای فراوان در رفع این عیب کوشیدند و عدم موفقیت در رفع این نقیصه تا سال ۱۳۶۶ (هـ.ش) ادامه پیدا کرد .

اینجانب در دانشگاه صنعتی لنین شویینگ با استفاده از تجربیات آموزشی و تحقیقاتی ام در ایران در سال ۱۳۶۴ به فکر تهیه یک نوع پلاستیک هادی جریان الکتریسیته به نام (پلی پیرول) باروشی که بعدها به عنوان روش «CVD» در تهیه پلاستیکیهای هادی معروف شد افتادم . مدتها در این زمینه مطالعه و تحقیق نمودم و بارها و بارها با شکست روبرو شدم ولی از آنجا



آشنایی با یونیسف

Unicef



(صندوق کودکان سازمان ملل متحد)



○، یونیسف چیست ؟

در میان مجموعهٔ ملل متحد، یونیسف تنها سازمانی است که منحصرًا "در راه بهزیستی کودکان می‌کوشد. در سال ۱۹۴۶ برای کمک فوری و نجاتبخش به قربانیان جوان و بی‌نویای جنگ جهانی دوم، یونیسف شکل گرفت. هنگام بروز فجایع، یونیسف به کمک رسانی فوق‌العاده و فوری می‌پردازد، اما در طول این مدت، صندوق یونیسف توجه عمده خود را به جبران کمبودهای بی‌پایان میلیون‌ها کودک محروم در کشورهای در حال رشد آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین معطوف

کرده است. به پاس این فعالیتها در سال ۱۹۶۵ یونیسف به دریافت جایزه صلح نوبل نائل شد. در سالهای اخیر، با کمک وسایل ارتباط جمعی یونیسف توجه جهانی را به این نکته جلب کرده است که با دقت در اجرای چهار اصل نسبتاً ساده و ارزان، والدین می‌توانند تعداد مری





○ چه مقدار از درآمد حاصل از فروش کارتها و تقویمها عملاً به مصرف

کمک به کودکان می‌رسد؟

تمام طرحهای کارتها توسط هنرمندان یا موزه‌ها اهداء می‌شوند، بعلاوه مجموعه‌های فروشندگان نیز تقریباً " همگی داوطلب هستند مانند کمیته‌های ملی یونیسیف، مؤسسات خصوصی و افراد. در نتیجه، هزینه یونیسیف عبارت است از هزینه واقعی تولید و یک حداقل هزینه اداری. تمام سود نسبتاً زیاد و فوق العاده‌ای که باقی می‌ماند، مستقیماً به مصرف طرحهای یونیسیف برای کودکان می‌رسد.

" سود ویژه حاصل از فروش فقط یک کارت یونیسیف می‌تواند به نجات جان یک کودک کمک کند."

ومیر کودکان را به میزان نصف کاهش دهند و روزانه جان بیش از ۲۰,۰۰۰ کودک را نجات بخشند. این اصول کم هزینه عبارتند از: کنترل دقیق رشد کودک، تاءمین آب و املاح بدن به کمک سرم خوراکی، تغذیه با شیر مادر و پیشگیری از بیماریها بکمک تلقیح.

○ آیا یونیسیف يك نگاه خیریه است؟

خیر، یونیسیف سازمانی است که در صورت درخواست دولتها برای راه اندازی برنامه‌های چند جانبه به نفع کودکان، به کمک آنها می‌شتابد و میزان سرمایه گذاری خود کشورهای دریافت کننده خدمات در این راه، همواره بیش از کمک یونیسیف است.

○ یونسف چگونه عرضه کارتهای

تبریک را آغاز کرد؟

در سال ۱۹۴۹ یک دختر هفت ساله بنام "حینکا سامکوا" به پاس کمکهای یونیسیف به دهکده جنگ زده خود در چکسلواکی یک نقاشی برای یونیسیف کشید. طرح او نخستین کارت تبریک یونیسیف شد.



اثر ورزش در جلوگیری از بیماریها



بازی کردن ، هرزه درائی نمودن ، غیبت مردم کردن ، رمانهای بی معنی و بی فایده خواندن و نظایر آن نیز تفریح و سرگرمی است ، اما آیا هدف و نتیجه‌ای هم دارد؟ مسلماً نه !

اگر در اوقات فراغت به تفریحات و سرگرمیهائی بپردازیم که هدف آن به طور مستقیم و یا غیر مستقیم تقویت روح و جسم باشد نه تنها وقت خود را بیهوده صرف نکرده‌ایم بلکه کار بسیار مفید هم انجام داده‌ایم . بهترین نوع تفریحات که می تواند جسم و روح ما را تقویت

در زندگی هر عملی باید برای هدفی باشد . کار بی هدف قدم زدن در بیراهه است که هر چه بیشتر برویم بیشتر گمراه خواهیم شد . همچنانکه تحصیل علم ، خواب و خوراک و استراحت برای هدفی است ، تفریح و سرگرمی و خوشگذرانی نیز باید دارای نتیجه مفید باشد . انسان محبوس است مقداری از وقت خود را به تفریح و سرگرمی بگذراند و این تفریح و سرگرمی نیز باید برای هدفی که همان آماده نمودن جسم و روح برای انجام کار بهتر و مفیدتر است باشد والا قمار —

کرده، روح ما را تعالی بخشد ورزش است که هم تفریح است و هم سازنده و سالم.

بزرگترین هدیه خداوند در روی زمین حیات است و بهترین و ارزنده‌ترین نوع آن، حیات انسانی است و پراهمیت‌ترین آن حیات سالم و شاداب است و با ارزشترین سرمایه برای یک جامعه افراد سالم و به ویژه جوانان نیرومند و قوی است. برای انجام این منظور تربیت بدن و ورزش با اصول صحیح، بهترین و عالیترین طریقه است. اصولاً انسان برای کار و کوشش آفریده شده است و خمودی و سستی خلاف فطرت بشری است. منتهی اگر حرکت و ورزش مطابق نظم و مطابق فیزیولوژی و بیولوژی و مکانیسم بدن باشد، نه‌تنها آن در تقویت و هم‌آهنگ نمودن حرکات و فعالیت اعضای مختلف بدن بسیار مؤثر است.

اثر ورزش بر افزایش قدرت دفاعی بدن در مقابل میکربها

شکی نیست که ورزش در تقویت اعضای اندامهای بدن نقش موثر دارد. هر عضوی که مدتی کار نکند لاغر و ضعیف خواهد شد و چه بسا که پس از مدتی از کار خواهد افتاد، بنابراین ورزش و حرکت در تیر و بخشیدن به هریک از اعضا حتی یاخته‌های بدن بسیار مؤثر است. وقتی که بدن قوی شد، به راحتی می‌تواند در مقابل بیماریها دفاع کند، به عبارت دیگر ورزش در سلامت بدن و مصون سازی آن اهمیت بسزایی دارد. می‌دانیم که بدن در مقابل میکروبها به دو طریق دفاع می‌کند، با دفاع مستقیم که میکروبها را از بین می‌برد و با دفاع غیر مستقیم که در اثر مایه‌کوبی، ایمنی در مقابل میکروبها حاصل می‌

شود. دفاع مستقیم وقتی می‌تواند مؤثر باشد که بدن قوی و سالم بوده، تمام ارگانها هم آهنگ کار کنند، در این صورت میکروبها در همان مرحله اول ورود به بدن و با بلافاصله بعد از آن از بین می‌روند. پوست و مشتقات آن به عنوان مرزداران اصلی، به طریق مکانیکی، شیمیایی و بیولوژیکی هجوم میکروبها را متوقف می‌کنند. مژه‌های لرزان مخاط تنفسی مثل یک فیلتر مکانیکی عمل می‌کنند و گرد و خاک و ذرات ریز را به خارج دفع می‌کنند. اشک چشم، عرق بدن ادرار، هم مقداری از مواد مضر و میکروبها را دفع می‌کنند. ترشحات مخاط، ماده چسبنده‌ای تشکیل می‌دهند و مقداری از ذرات خارجی و میکروبها را به خود جذب کرده و بدینوسیله دفع می‌کنند. ماده مومی شکل که در مجرای گوش ترشح می‌شود، مانع ورود حشرات به گوش می‌گردد. دفاع شیمیایی به طور عمده، با اسیدی و قلیایی شدن ترشحات بدن انجام می‌گیرد. دفاع بیولوژیکی نیز به وسیله میکروبهای بی‌ضرر که در سطح پوست و مخاط وجود دارند و مانع ورود میکروبهای زیان‌آور می‌شوند انجام می‌گیرد. بعضی از یاخته‌های داخل بدن اساساً برای دفاع خلق شده‌اند و تخصص آنها دفاع از بدن است. به طوری که میکروب را احاطه کرده و به تدریج داخل خود فرو می‌برند و هضم می‌کنند، این عمل "فاگوسیتوز" و آن یاخته‌ها را "فاگوسیت" و یا بیگانه خوار می‌نامند. گودجه‌های سفید خون فعالیت شدید فاگوسیتی دارند و آنها را "میکروفاژ" و یا کوچک خوار می‌گویند، حده آنها میکروبها را که بسیار ریز هستند خورده و از بین می‌برند. در بدن یاخته‌های ثابت و متحرک دیگر نیز وجود دارند که آنها نیز میکروبها را در خود هضم می‌کنند و بنام

قند اضافی درخون باعث ناراحتی هائی در بدن می شود که به وسیله ورزش تا حدود زیادی از بین رفته و از ضرر آن کاسته می شود که به طور خلاصه در زیر شرح می دهیم :

اثر ورزش در کلسترول خون

کلسترول ماده ایست که در بدن ساخته می شود و تا حدودی برای بدن ضروری است. اگر مقدار آن از حد متعارف زیاد شود به علت تجمع پلاکهای کلسترول در عروق خونی به ویژه عروق نازک مغز و قلب باعث ایجاد سکنه های مغزی و قلبی خواهد شد و اگر به موقع از ازدیاد این ماده درخون جلوگیری شود این خطر رفع خواهد شد. برای وصول به این امر راههای مختلفی هست و در رژیم غذایی باید تغییراتی داده شود و در عین حال ورزش یکی از با اهمیت ترین مسائلی است که در جلوگیری از ازدیاد کلسترول خون و یائین آوردن مقدار آن بسیار موثر است، مخصوصاً در جلوگیری از حملات قلبی نقش ارزنده ای دارد. در یک مطالعه پژوهشی عده ای از میمونها رابه سه گروه تقسیم کردند و به همه آنها غذای متعارف و متعادل دادند و همه آنها را وادار به انجام حرکات و ورزش کردند که عبارت بود از دویدن سه بار در روز و هر بار به مدت یک ساعت. بعد از مدتی گروه اول و دوم را از ورزش بازداشتند اما در غذای گروه اول تغییری ندادند و به غذای گروه دوم مقداری کلسترول اضافه نمودند و به گروه سوم نیز از همان غذای گروه دوم که محتوی مقدار زیاد کلسترول بود دادند، اما ورزش گروه سوم را قطع نکردند، در آخر مدت سه سال و نیم میمونهای که ورزش کرده بودند (گروه سوم) وضع

"ماکروفاژ" نامیده می شوند. و فتیکه میکروبی بتواند سد دفاعی بدن را بشکند و داخل بدن گردد سایر وسایل بدن نیز بکار می افتند، من جمله فعالیت مغز استخوانها افزایش یافته و مقدار گویچه های قرمز بیشتر می گردد. تب ایجاد می شود، چه بعضی میکروبها در حرارت بالاتر از ۳۷ درجه می میرند.

حال اگر بدن ضعیف و یا بیمار باشد، قدرت دفاعی بدن کاهش می یابد و بیماری براحتی برتن انسان مسلط می گردد. ورزش نه تنها بدن را تقویت کرده و در مقابل بیماریهای میکروبی آنرا حفظ می نماید بلکه از بعضی از بیماریهای غیر میکروبی نیز جلوگیری می کند و با لافل از شدت وحدت آن می گاهد. مثلاً کلسترول و یا





می گردد. در صورتیکه در موقع فعالیت و حرکت مقداری از قند سوخته و اندازه آن در خون بائین می آید. کودکان مبتلا به بیماری قند که کم تحرک هستند و قتیکه ایام تعطیلی تابستان به بیلاق می روند و بازی می کنند مقدار قند خون آنان بائین می آید به طوریکه به مقدار قابل توجهی از مصرف داروهای ضد قند آنان کاسته می شود. البته در این مورد ممکن است عوامل دیگری هم مؤثر باشند ولی عامل مهم همان حرکت و ورزش است. منظور از ورزش در مورد بیماران قندی این نیست که حتماً باید حرکات شدید و پهرمانی باشد و بیماران قندی در بازیهای فوتبال و بسکتبال شرکت نمایند، بلکه

بفید در صفحه ۱۵۹

مزاجی و هیکل آنها خیلی بهتر از دودسته دیگر بود. شریانیهای آنها تمیزتر، وضع قلب بهتر و تعداد ضربان قلب کمتر بود و حتی با کمال تعجب وضع عمومی بدن آنها اعم از قلب و عروق و مغز بهتر از میمونهای که غذای متعارف کم چربی و کم کلسترول خورده بودند بود، در صورتیکه می دانیم دسته سوم مقدار زیادی کلسترول مصرف کرده بودند و گروه دوم که همان غذای گروه سوم را مصرف نموده و ورزش نکرده بودند عوارض بسیاری در قلب و عروق آنها مشاهده گردید. از این آزمایش بسیار دقیق چنین نتیجه گرفته شد که ورزش منظم و متمادی حتی به میزان متوسط، بیماری شریان های اکلیلی قلب را که در اثر سفتی آنها به علت وجود پلاکهای کلسترول باعث انفارکتوس قلبی می گردد مدتها به ناء خیر می اندازد. خود جاقی دارای عوارض زیادی است که ممکن است خطرات کلی برای انسان ایجاد نماید، من جمله افزایش کلسترول خون و حتی باعث ازدیاد کار قلب شده و آن را زودتر خسته و فرسوده می کند. اما با ورزش به راحتی می توان از جاقی جلوگیری کرد، چه به هنگام حرکت و ورزش، جریبهای اضافی بدن می سوزند و تبدیل به انرژی می گردند و در نتیجه هم بدن متناسب و متعادل شده و هم قدرت و توان عضلات بیشتر می گردد و در عین حال از حملات قلبی و سکنه های مغزی کاسته می شود.

بیماری قند و ورزش

ورزش برای بیماران قندی و یا دیابتی مسأله ای است مهم و یا ارزش. و قتیکه بکنفر مبتلا به بیماری قند کمتر حرکت می کنند و فعالیتی ندارد، قند در خون او بیشتر جمع



پاسخگو

امکان پذیر است. این کودکان معصوم برخلاف ما بزرگترها مملو از عواطف صمیمی و از همه مهمتر برگذشت هستند ولی اگر این خواهر و برادر با هم نمی سازند سعی کنید موقع درس خواندن آنها را از هم دور نگه دارید مخصوصاً " وسایل تحصیلی آنها محزا و معلوم باشد که هر چیزمال چه کسی است .

خانم س-ن- تهران

مشکل شما هم مثل مشکل اکثر والدین— بخصوص مادران این است که نگران دوستان فرزندان خود هستید. و حتی گاهی اوقات نمی-توانید عقاید خود را بطوریکه فرزندانانتان ناراحت نشوند برای آنها بیان کنید. اصولاً " آشنائی جوانان با دوستان غریبه اکثراً " می-تواند خطرناک باشد .

دوستان فرزندان شما باید از بین فرزندان آشنایان ، اقوام ویا همشاگردیهای آنها که می-شناسد باشند . پذیرائی از دوستان در خانه و زیر نظر شما باید انجام شود . ولی در نظر داشته باشید که فرزندانان حتماً " بایند دوستانی داشته باشد . ازبچه های فامیل و آشنایان دعوت کنید تا باب مرادده بین آنها

خانم م. ه- تهران

شما وهمسرتان وارد مرحله جدیدی از زندگی خود شده اید . مسلماً "وظایف شما نسبت به دوران مجردی کاملاً " عوض می شود و زندگی برای شما مفهوم تازه ای پیدا می کند . هر دو حسن می-کنید که نسبت بهم مسئولیت های جدی و سنگینی دارید . این افکار سیاه و تیره را از خود برانید و به آینده امیدوار باشید . حتی دررودیا وخیال هم به زیبایی ها و شادکامی ها بیندیشید . این بی بولی و کمی درآمد موفقی است و مسلماً دوران آن سپری می شود و برخلاف عقیده شما معمای لاینحلی نیست . از بزرگترهای فامیل سئوال کنید ، آنها هم اوائل زندگی این مشکلات را داشته اند ، باصبر و بردباری این دوران را به امید آینده بهتر تحمل کنید . خداوند به شما کمک می کند .

آقای محمد حسینی - یزد

همزیستی مسالمت آمیز بین بچه ها کاملاً "

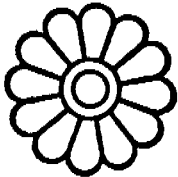
روی قلب طفل اثر می گذارد و احتمال دارد او را مبتلا به رماتیسم قلبی کند که بیماری خطرناکی است. در هر صورت فوراً "به یک پزشک متخصص اطفال مراجعه فرمائید."

آقای علیرضا م — تهران

هر شکست، درسی برای موفقیت آینده است. شما سعی کنید از شکستی که خورده‌اید پند بگیرید. علل شکست خود را پیدا کنید. راههای خطای گذشته را تکرار نکنید و برای مبرا شدن از تهمت خلاف آنرا ثابت و سعی کنید به همه بفهمانید قادر هستید در انجام کارهایتان موفق شوید. به خدا اتکا داشته و از او یاری بخواهید.

خانم و آقای م — تبریز

نامه خود را در اوج عصیانیت مرقوم فرموده بودید. آیا شتاب آلوده تصمیم نگرفته‌اید؟! چون با هم این نامه را نوشته‌و به توافق در جدائی رسیده‌اید و از ما هم نظر خواسته‌اید همه اینها نشان می دهد شما پدر و مادر بسیار خوب و فهمیده و فکوری هستید. پدر و مادری که به طفل حیات می دهند و او را با شیر جان می-پرورند و همواره در بناه خودنگه می دارند. شما هم اینک صد درصد به خودتان تعلق ندارید بلکه فرزند شما هم از وجود شما سهمی دارد. او حق دارد با پدر و مادر خود زندگی کند و از صمیمیت و محبت آنها برخوردار شود.



باز شود. ما بارها توصیه کرده‌ایم کنترل رفت و آمد بچه ها از منزل تا مدرسه و بالعکس بسیار مهم و قابل اجرا است. در همین رفت و آمدها است که دوستان آنها را می شناسید و می توانید به موقع تصمیمات لازم را بگیرید.

آقای محمود — ع — یزد

همانطور که ورزش می کنید عضلاتتان قوی می شوند همانطور هم وقتی فکر و حافظه را بکار انداختید قوی می شود و بهترین راه برای بکار انداختن حافظه تکرار مطلب است. هر مطلب را چندین بار با صدای بلند تکرار کنید که هم چشم شما آن را ببیند و هم گوش شما آنرا بشنود. ولی بهتر است به نکات زیر هم توجه داشته باشید.

بهترین راه درک کردن درس توجه بگفته معلم و استاد در کلاس درس است. به یک موضوع بیندیشید و فکر کنید نه موضوعهای پراکنده. تنظیم ساعات کار و استراحت بصورتیکه هیچوقت خسته و درمانده سراغ درس خواندن نروید. اگر مطلبی را نفهمید حتی از معلم سؤال کنید، تا اگر موضوعی را درک نکردید به سراغ مطلب تازه‌ای نروید.

خانم زهرا عابدی — تهران

چون کودک شما از درد ناحیه زانو و مفاصل دیگر مانند مچ دست شکایت می کند این موضوع را جدی بگیرید. این دردها ممکن است شروع و آغاز بیماری رماتیسم و یک تب رماتیسمی باشد. اگر به موقع وزود درمان و از آن جلوگیری نشود

بقیه از صفحه ۱۹

گرفته آدمی ممکن است دچار بیحسی موقت شود، خستگی بر او غلبه کند، آنچنان که گوئی فردی آسیب دیده است. ممکن است سرودست تکان دهد، در بدن نوعی کرخی احساس کند و حتی به زور لیخندی از او برآید.

۲- عوارض روانی

این حالت ممکن است زمینه ساز عوارض روانی بسیار گردد از جمله اینکه عادت ضعف توجه به امور، سرسری گذراندن امور سطحی نگری، بی تصمیمی، سست ارادگی را در فرد بوجود آورد که عوارض زبانبیاری را برای آدمی پدید می آورد.

دستیاجگی در مواردی ممکن است آدمی را به خیالات غیر واقعی بکشاند، احساس دردی مخصوص در سر پدید آورد، تردید و دودلی را برای او ایجاد کند، حتی سبب ضعف قوای حافظه گردد. گاهی بر اثر آن فکرها چنان آشفته می شوند که آدمی نمی داند چه می کند و یا هدف و مقصد خود را از انجام کار فراموش می نماید.

۳- عوارض اجتماعی

حالات آشفته ای که بر اثر آن در فرد پدید می آید او را دچار نوعی تسلیم در برابر غیر و امیدارد. او بدون اینکه عاقبت کاری را بیندیشد تسلیم فکر و رای دیگران می شود و این خود منشاء بسیاری از آلودگی ها و کج رویهاست.

روابط اجتماعی، برخوردها و ارتباطات فرد

در شرایط و وضعیاتی نیستند که آدمی بتواند روی آنها حساب کند. اینان اسیر احساسات و انگیزه های آنی خویشند، کارها ناتمام و ناپخته است، برخوردها سطحی و بی ریشه است. و اصولاً "شرایطی برای افراد پدید می آید که زمینه برای دوری از مقاصد و اهداف اجتماعی جهت آنها فراهم می آید، بیجهت خسته و فرسوده می شوند و این چیزی است که عمر آدمی را کوتاه می کند.

۴- عوارض فرهنگی

اینگونه کودکان در کار درس و مدرسه و فرهنگ آموزی هم توفیقی ندارند. این امر بدان خاطر است که در حین دستیاجگی و عجله قدرت تفکر ضعیف و اعمال ارادی برای درک و فهم و سر



به‌خرج داده و در نتیجه دچار لکت می‌شوند و در آنصورت عصبانی شده، خشم بر آنان غلبه می‌کند.

اینان در حرکت و سرعت مثل فیلمی می‌شوند که به تندی از برابر دوربین عبور می‌کند و در حین عبور پاره می‌شود و همانند اتومبیلی می‌شوند که به سرعت می‌رود و ترمز او توان تطابق با ماشین را ندارد و در موارد لزوم کار نمی‌کند و یا می‌برد. گامهایی را به‌سوی هدف بر می‌دارند ولی پس از رسیدن به آن نیروی شان تمام شده و وامی‌مانند و در نتیجه امکان بهره‌گیری از آن را ندارند.

فرجام کار اینان از دست دادن اراده اسارت، سستی و تزلزل، بزحمت از عهده کاری برآمدن، داشتن عاقبتی دردناک و زیان‌بخش است. سطحی بینی هم که خود عامل خطر آفرینی است زیرا در آنان فرصت تعمق در امور نیست و این امر موجب عوارض دیگری در زمینه رشد و اعتلای فکری و فرهنگی است.

ضرورت اصلاح

اصل بر این است که در عین شتاب دادن به کارها امور از روی ثانی و همراه با تعقل و اندیشه کردن به پیش رود. کاری را انجام دهند که در آن استحکام باشد. چه فایده که کاری با سرعت انجام گیرد ولی در آن محتوایی ارزنده نباشد و با آدمی دچار اعصابی خرد و فرسوده باشد و وقتی وارد اجتماع می‌شود نتواند آنچنان که باید از عهده تطابق با اجتماع برآید.

دستیابی زمینه ساز فرسودگی است، بهتر است که آدمی طوری برود که همیشه بتواند

درآوردن از مسائل و امور اندک می‌شود. توان کنترل خود و تمرکز حواس و توجه در آنها نیست. کنجکاوی اینان سطحی و فراگیری شان ناقص است، شوق یادگیری را از دست می‌دهند. خیلی درس می‌خوانند و خیلی هم کار می‌کنند ولی عمل شان مورد تأیید نیست و در نتیجه اعتماد خود را از دست می‌دهند. در حلسه امتحان عجله می‌کنند و این عجله خود باعث می‌شود که مطالب را سرهم کنند و آنچه را که می‌دانند بر صفحه کاغذ نیاورند. هم چنین ممکن است گفته‌ها و نوشته‌های شان از نظم کافی برخوردار نباشد و این خود سبب تلقی دیگری از کار و تلاش شان در مدرسه خواهد شد و معلم نمی‌تواند نمره واقعی شان را به آنها بسدهد.

فرجام آن

دستیابی و عجله برای کوچک و بزرگ فرجام خوبی ندارد حق همان است که در اسلام از آن یاد شده و در سخنی از پیامبر (ص) آمده است مع العجله الندامه، با عجله پشیمانی است و یا شتابزدگی در کار پشیمانی را به‌مراه و دنبال دارد.

حاصل و فرجام آن خستگی تن است فرسودگی اعصاب است، اضطراب و پریشان‌حالی است، در مواردی غلبه یأس و نومیدی است بدخلقی است، حساسیت و ناتوانی است.

اینان گاهی به این وضع عادت می‌کنند طوری که درهمه امور، حتی در آنچه که احساس جبری در آن نیست عجله می‌کنند، غذای خود را تندتر می‌خورند، مشق‌های خود را تندتر و بی‌حساب می‌نویسند، در حرف زدن شتاب‌زدگی

برود . وجود آرامش در درون از نعمت های خداوند است و اسلام شتاب و عجله را از شیطان و تاءتسی و آرامش را از خداوند بحساب می آورد . (ان الاناه من الله والعجله من الشیطان رسول گرامی اسلام)

بهمین نظراز دید تربیتی لازم است باعامل هیجان زدگی ، اضطراب و عجله در امور مبارزه شود . کودک را به گونه‌ای بیرورانیم که با استحکام و استواری به پیش رود ، بدون ترس از عقب افتادگی و سقوط و کمبود وقت کارها را انجام دهد و به پیش رود . اصل براین باشد که درهر مسأله و امری تعمق کند و اندیشیده به پیش رود .

شیوه های اصلاح

درطریقه اصلاح ، خواه درجنبه پیشگیری خواه درمان ضروری است اقداماتی صورتگیرد و والدین مراقبت هائی را داشته باشند که اهم آنها بدینقرار است :

سهل گیری

زندگی را برخود و فرزندانشان سخت‌گیرید بکشید سهل گیر باشید و بگذارید بر کودک سخت نگذرد و راحت تر باشد . آنچه که در توان کودک است از او بپذیرید و آنچه بر او دشوار است از آن درگذرید ، براوخشم نگیرید و براو ستم روا ندارید (یقبل میسوره ، ویتجاوز عن معسوره ، ولایرهبه ولا یخرق به . . . علی ع) ممکن است او درکارها خطائی را مرتکب شده بهتر است که به رویش نیاوریم و او را شرمنده نسازیم و چنین وانمود کنیم که مسأله

آغاز آن

عجله از کی بوجود می آید و از چه وقتی باید به درمان و کنترل آن پرداخت ؟ بخشی از آن که دارای جنبه و صورت عصبی است از همان مراحل اولیه شیرخوارگی و گاهی هم از طریق محیط و شرایط رحم به کودکان سرایت می کند . مادران عجول و شتابزده از همان مرحله شیر دهی چنین وضع و شرایطی رابه بچه‌ها منتقل می کنند و بسا لاقابل باید گفت درآنان اثر می گذارند . از حدود چهار ماهگی که طفل نسبتاً بسا محیط آشنا می شود و با اطرافیان رابطه برقرار می کند بیش یا کم تحت تاءثیر چنان شرایط و اوضاعی است و لاقابل بدان خوی می گیرد . از وقتی که به راه افتاد و به سخن آمد دربرابر امر و نهی والدین و موضعگیری های آنان و تنبیه و تهدیدشان درمی باید که باید تغییر شرایط بدهد .

بدین ترتیب از همان خردسالی درکودک

رفتارها نقشی فوق العاده ایفا کنند .

شما به او القاء کنید که در طی طریق به سوی هدف آرام است و خود او هم چنین تلقین و القائی را دوباره بخود بکند و به خود هشدار دهد که از این پس در انجام دادن کارها وسخن گفتن آرام خواهد بود . تلقین های تواءم با هشیاری و یا جلب شعورشان توسط مربی در این رابطه بسیار مفید و موثر است .

۴ - تقویت اراده

پاره‌ای از شتابزدگی کودکان بدان خاطر است که برخورد مدیر و مسلط نیستند و اراده‌ای نیرومند و قوی ندارند ، در چنین صورت تربیت اراده و تقویت آن کاری ضروری است . اینان چون از خود اراده‌ای ندارند تسلیم شرایط می‌شوند . تقویت اراده از طریق تذکر متعدد ، هشدارها تشویق ها و تحسین ها در آنان امکان دارد و ذکر این نکته که او نیاز به تسلط برخورد دارد در غیر اینصورت امکان توفیقش در کارها نخواهد بود . در مواقع دست‌یابی باید به دانش رسید و وادارش کرد که متحمل و صبور باشد .

مهمی نیست و این خود عاملی است که او عجله نکند و شتابزده نباشد . در کل حدود ظرفیت کودک را در نظر گیریم و بر آن اساس با او معامله کنیم .

۲ - تذکسر و تفهیم

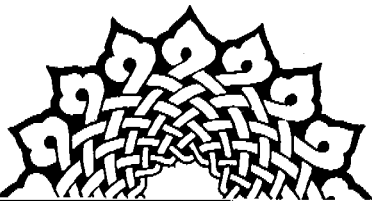
گاهگاهی باید به او تذکر داد که برخورد مسلط باشد و خویش را از حیوانات واضطرابهای اساسی دور دارد ، برخورد صدمه‌ای وارد نسازد . و برای این امر ضروری است :

موقعیت او را به او تفهیم کنیم ، شرایط غیر عادی او را به او بگوئیم و به او بفهمانیم که این شیوه تا چه حد خطاست . کودک باید بداند که این حالتی نارواست و بهتر است از آن بدر آید . و هم لازم است گاهی به زبان کودکانه به او تفهیم شود که این کار مورد رضای خداوند نیست برای حال و آینده او زبانیخس است و یا این حالت مورد مسخره دیگران است .

به او یاد آوری شویم که اصل بر انجام وظیفه است ، درست این است که او کارهای خود را روی ضابطه و طبق برنامه انجام دهد اگر در این راه معطلی و یا عقب ماندگی پدید آمد مسأله‌ای نیست و به او اطمینان دهید از او گله‌ای نخواهید داشت .

۳ - تمرین تلقینات

در مواردی او را وادار کنیم بخود تلقین کند فلان عمل را انجام نخواهد داد و یا دست از شتابزدگی خواهد کشید . تلقین ها در مداوای اکثر بیماریهای روانی و اختلالات رفتاری می - توانند مفید و موثر باشند و در محو پاره‌ای از





این فعالیت هست، مثلا " با آتش سروکار پیدا می کنند، گاز و نفت خطر دارند، با کارد و چاقو احتمالا " دست خود را زخمی می کنند، غذا را می سوزانند، اما در صورت نظارت دقیق که مادران بعمل آورند از این حوادث میتوان پیش گیری کرد و حداقل بعضی از کارهای آسزنی را به آنان سپرد، تا تمرین کنند، هم کارکنند، وهم سرگرم باشند و در خانه بمانند.

ب - شیرینی پزی: بدوا " ممکن است اولیاء بگویند در حال حاضر که شکر و روغن بخاطر جنگ تحمیلی گرانست چه کسی میتواند شیرینی خانگی تهیه کند؟ اما اگر هر خانواده مالی را که در طول ماه بابت انواع شیرینی، بیسکویت بسنی، آجیل و نظائر اینها میدهند محاسبه کنند، بد این نتیجه میرسند که مبلغ قابل ملاحظه ای است، و میتوان آنرا برای تدارک مواد اولیه جهت پختن شیرینی در خانه به صرف رسانید. یک عامل خودداری از این کار هم معمولا " اینست که، خرید شیرینی از خیابان سهل و آسانست، خیلی راحت مسود بد مغازه رفت، و بادست بربرکت، البته ظاهر شیرینیهای مغازه ها هم معمولا " قستک نراست (محتوا هرچه می خواهد باشد)، چه کسی حاضر میشود سه

و کلاس احیانا " عصرها ممکن می شود. بجهه ها وقتی میانشان رقابت باشد باسور و سقاط بیشتری به مدرسه می آیند و در اینصورت مسابقات ورزشی و تمرینات ورزشی علاوه بر اینکه تربیت بدنی است عاملی برای ورود نوجوانان به مدرسه وبه کلاسهای درس می شود.

اگر فضای مدرسه برای ورزشهایی نظیر والیبال، بسکتبال و دو کفایت نداشته باشد در اینصورت بایستی از معلمان ورزشی مدد گرفت تا جگونی سرگرمی و بازی و ورزش را در فضاهای محدود معلوم کنند و برنامه هایی ترتیب بدهند یا خودشان به اجرا بگذارند یا معلمان آموزشی را آشنا سازند.

اگر ورزشی و بازی بصورت سازمان یافته ای در مدارس انجام نگیرد، ساگردان مدرسه بکوهها می روند و تیله بازی، گردوبازی، یا فوتبال در معابر را برضاری کنند، آنگاه دولت پلیس، کمیته و یا مردم محله هم بسادگی نمی توانند با آنان درگیر بشوند. بازی و گردش در کوجهها و ایستادن در معابر و چهارراهها مضاری دارد که اگر نوجوانان بدان عادت کنند بکوه بعضی مفاسد می انجامد.

ایجاد سرگرمی در داخل خانه

در تعطیلات تابستان

مادرها می توانند کارهای متعددی را در داخل خانه به فرزندان دختر و سر خود واگذار کنند. ذیلا " بد ناره ای از آن کارها اسارد می شود.

الف - آسزنی در هر خانه ای کم و بیش برای ناهار و سام بخت و پزی صورت می گیرد، اگر بجهه ها در سنین حدود ده سال بیالا باشند میتوان بخشی از کار بخت و پز را با نظارت، بد آنها واگذار کرد. البته در اوائل حضراتی در

ساعت وقت صرف کند تا مثلا " یک کیک بپزد؟ ولی هنر شیرینی پزی در جای خود قیمت دارد و جز با تمرین بدست نمی آید .

ج - پخت نان : پختن نان هم این زمان به عهده نانوایان و به خارج خانه سپرده شده است، و کمتر کسی حاضر می شود در خانه نان تهیه کند . زیرا آرد گران است، وسیله پخت نان مثلا " تنور یا اجاق در خانه ها نیست، خمیر کردن و پختن، زیاد وقت گیر است . بچه، یا مادر بچه، به مغازه نانوایی مراجعه می کنند، و با نان پخته داغ بخانه می آیند، و اینکار آسانتر است . اما اگر کسی نان را داخل خانه پخته باشد میدانند که خیلی لذیذتر است . دوامش بیشتر است، تمیز است، همشاش را میتوان مصرف کرد، کمتر خمیر و یا سوخته است . نانهای کوچک و بازار، مخصوصا " در این زمان که بخاطر کمکهای مالی دولت ارزان هستند نان پختن در خانه را به فراموشی سپرده اند . ولی در هر حال در بعضی از دهات حداقل میتوان از دختر و پسر برای پختن نان کمک گرفت . البته غیر از نان های معمولی که بانمک بخته میشود، در بعضی از شهرها نان را با محتویات دیگر و به شکلهای مخصوصی تهیه می کنند که جالب توجه است و در جای خود هم کار و هم هنر بحساب می آید و نان نعمت بزرگ خداوند بلکه از مهمترین نعمتهاست گرچه به علت فراوانی و ارزانی کمتر قدرشناسی و سپاسگزاری می شود .

د - خیاطی : بدوا " شاید بدر و مادرها و معلمان بگویند خیاطی که کار خیاطها است و ربطی به داخل خانه پیدا نمی کند، و جرخ بوردا، مدل، و نظائر اینها را می خواهد . اما میدانیم که هر خانواده ای کم و بیش به شکلی

در خانه و خانواده، احتیاج به دوخت و دوز پیدا می کند . مگر اینکه شخص از اشراف باشد و همراه یکدست لباس نوتیه کند ! به دختر بچه ها میتوان در خانه تاحدودی خیاطی آموخت تا به نخ و سوزن و دوختن جادکمه، زیپ، پس - دوزی و نظائر اینها آشنا شوند . اگر قدری وسیعتر فکر کنیم دختران نوجوان میتوانند لباس نوزاد تهیه کنند، وحتسی با وساطت مادر و پدر، برای فروشگاهها کار کنند و حق - الزحمه بگیرند . کمی بعد از آن می توانند پیژاما، دامن، بلوز ساده و نظائر اینها را بدوزند، و در تابستان مشغول به کار باشند، و وقت خود را به ایطال سیری نکنند .

ه - گلدوزی و پته دوزی - گلدوزی و در بعضی شهرها پته دوزی بعنوان یک هنر، قابل آموزش است و چنانچه خوب تهیه شوند و با نقشه صحیح و رنگ مناسب تهیه شده باشند اشیاء زینتی نفیسی محسوب می شوند و قیمت دارند . هر دختری در خانواده میتواند برای خودش گلدوزی، پته دوزی و نظائر اینها را داشته باشد و این مستلزم تشویقی است که از سوی معلمان مدارس، و پدر و مادرها، بعمل آید، و بدوا " آموزش لازم را به آنان بدهند، و مواد اولیه را در اختیار آنان قرار دهند .

برای اینکه اهمیت خیاطی و نیاز انسان به آن مشخص شود کافی است که فرض کنیم هنر فر در طی سال فقط یکدست لباس شامل کت و شلوار، بپراهن و زیرپوش بخواهد، در اینصورت در میان هر ۳۶۰ نفر بایستی یک نفر تمام وقت مشغول خیاطی باشد .

آموزش فنون و مهارتها _____

در مراکز شهرها میتوان با مدارس هم آهنگی کرد و برای آموزش خیاطی تعدادی شاگرد داوطلب



به حدنصاب معلوم نمود، و یک معلم را برای تدریس خیاطی دعوت کرد. این آموزشها اگر طبق برنامه و مکرر انجام پذیرد، هم صرف وقت بصورتی مفید است، هم منتهی به دریافت دستمزد و پول جیبی میتواند بشود، و هم اینکه مآلاً شغل باشد، و انسان بتوسط انجام آن بخوبی زندگی کند.

آموزشهای دیگری نظیر، کفافی، سیم کشی شیشه بری، لوله کشی، تعمیرات یخچال، پنکه لباس شوئی، رادیو، تلویزیون، صحافی ساک دوزی، تریکو بافی، لحاف دوزی، پرده دوزی و نظائر آنها را میتوان در مدارس، در مساجد اجرا نمود. و در این برنامه ریزیهها مدیران مدارس، معلمان، مربیان تربیتی، ائمه جماعات و پدر و مادرها میتوانند همکاری سرمایه‌گذاری و بذل همت کنند، تا نسل جوان بیکار نمانند، در خیابانها پرسه زنند، به خیالبافی نپردازند، و به آینده خودشان امیدوار باشند، و برای کار و اشتغال آماده شوند، و اوقاتشان را بیهوده اتلاف نکنند. حتی اگر نوجوانی از خانواده ثروتمندان باشد، برای او هم آشنائی با یکی از مشاغل، سودمند است. زیرا دانستن یک حرفه موجب اطمینان به نفس میشود، و باعث تکوین و تکامل شخصیت می‌گردد. نوجوانان اعم از اینکه از خانواده‌های مرفه با کم درآمد باشند، چنانچه از ده سالگی بیعد به نوعی از مهارتها و حرفه‌ها آشنا شوند اطمینان بنفس پیدا می‌کنند، و لیاقتی در خود احساس می‌کنند، و اگر پدر و مادرشان درآمدی کافی نداشته باشند بول جیبی خود را از راه انجام و عرضه کار بدست آورند.

وسایل برقی داده شود، راحت تر تحمل میکنند و تن در میدهند، اما به مشاغلی نظیر نانوایی و بنائی کمتر تن در میدهند، بلکه خجالت می‌کنند، یا احساس حقارت می‌کنند که بگویند شاگردی بنارا می‌کنیم. البته این یک حالت روانی بخصوصی است که در مدارس ما و در میان محصلین مدارس ما بیدامی شود. جوانانی که تحصیل می‌کنند، انتظار دارند پزشک یا مهندس یا حداقل لیسانس و دیپلم بشوند. وقتی دیپلم می‌گیرند انتظار دارند وارد مشاغل دولتی بشوند و کاری در دستگاه دولت پیداکنند و همه جوانان باین شکل متقاضی شغل هستند، وعده زیادی از بیکاران کشور ما را این محصلین یا

بنائی و نانوایی—
به نوجوانان اگر آموزش خیاطی و تعمیرات

دیپلمه‌ها تشکیل می‌دهند.

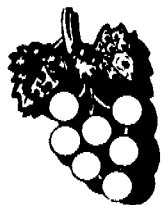
مسکن نیاز دارند، و مسکن از نیازهای اولیه انسانهاست. پس کسانی که مسکن تهیه می‌کنند یعنی بنائی می‌کنند یک نیاز اولیه را برای خود یا برای مردم فراهم می‌کنند.

بنائی که ابتدا یک شغل محسوب می‌شود، اما در حال حاضر، مشتمل بر گچکاری، پایه چینی سقف زنی، موزائیک کاری، سنگ نما، بنون کاری و غیره است. هرکدام را که نوجوان یاد بگیرد و انجام بدهد، کار ثمر بخش و بهاداری است. دربخش تزئینات و نازک کاری ساختمان، گچ‌بری آینه کاری، نقاشی ساختمان نیز هر کدام یک شغل محسوب می‌شوند.

شغل بنائی نیز مثل نانوائی بسادگی مورد قبول جوانان واقع نمیشود. مثلا "به جوانی که دیپلم گرفته و از بیکاری گله‌مند است، وقتی می‌گوئی چرا بنائی نمی‌کنی، می‌گوید، دوازده سال درس خواندیم که فعلا "به کارگل و خشت و آجر بپردازیم!!"

این راندکی و درماندگی جوانان از کاربرائثر کم توجهی معلمان و مدیران در مدارس و پدر و مادرها در خانواده است. حتی اگر پدر و مادرها خودشان به مساعل بالا نظیر پزشکی، مهندسی و فضاوت و تجارت اشتغال داشته باشند، مانعی ندارد که به فرزند خود نوعی کار بیاموزند و او را به کار تشویق کنند.

۱ - مرحوم شهید رحایی خواست تعطیلات طولانی ایام عید نوروز را که ۱۳ روز است بیدیک هفته تقلیل بدهد، موفق نشد.



جوانان بلحاظ مشخصه‌های سنی، و کمی تجربه، وملاکهای ارزشی که پدرومادر و معلمان به آنها می‌دهند، از گرفتن شغل آزاد ابادارند. معمولا "پدر و مادرها صاحب هرشغلی که باشند می‌گویند وارد این شغل نشوی که مثل ما گرفتار می‌شوی! مثلا" راننده به فرزند خود می‌گوید این شغل را اختیار نکنی! خیاط می‌گوید این شغل را نگیری! نانوا به فرزند خود می‌گوید درس بخوان که مثل ماشوی، جالب آنستکه پلیس وارثی و ژاندارم هم که شاغل دردستگاه دولتی هستند هرکدام از شغل خودشان اظهار نارضایتی می‌کنند. اینگونه القآت در ذهن و فکر بچه‌ها اثر می‌گذارد، و آنانرا خیال پرداز می‌کند.

اینک برگردیم به ارزیابی و ارزشگذاری روی نانوائی. میدانیم که یکی از نیازهای اصلی ما احتیاج به نان است، و هیچ روزی نیست که ما نان مصرف نکنیم، پس یادگرفتن پخت نان و دانستن شغل نانوائی، نه تنها منزلت را پایین نمی‌آورد بلکه شغل شریفی هم هست. لذا اگر برای پدر و مادرهامقدور باشد مانعی نیست که فرزندان پسر را برای فراگیری پخت نان بصورت سنگک، تافتون، نان ساندویچی، بربری و غیره آشنا کنند. وقتی پختن نان را یاد بگیرند آمادگی دارند که جمعه‌ها، ایام تعطیل، بعضی ساعات روز مثلا "۶ تا ۸ صبح به این کار اشتغال ورزند. البته این اشتغال در ابتدا مستلزم تمرین و آموزش دیدن و سپس جلب موافقت صاحبان مغازه‌های نانوائی است.

یادگرفتن شغل بنائی نیز کار سرفاضلمندی است. اولاً "انسانها بعد از خوراک و بوساک به

نوع دوستی و احترام و وظیفه شناسی، درکانون وجود آنان، هم باید خود احترام را بکار گیریم، وهم از الگوی عملی که کار سازی و سازندگی موثرتری در پی خواهد داشت استفاده نمائیم.

خوشبختانه درسیره زندگی پیشوایان اسلام مخصوصاً این روش فراوان به چشم می خورد که چند نمونه آنها مورد مطالعه قرار می دهیم:

۱ - "انس بن مالک" وقتی با گروهی از کودکان برخورد می نمود با آنان سلام می کرد و می گفت: *إِنَّ النَّبِيَّ (ص) مَرَّ عَلَيَّ صَبِيَّانِ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِمَ*. (۱۱)

پیامبر بزرگوار اسلام (ص) هرگاه از کنار کودکان می گذشت، با آنها سلام می کرد.

۲ - "مسلم" می گوید: هر وقت میوه، نوبر و تازه ای بیازار می آمد، و آنها نزد رسول خدا می آوردند، حضرت آنها روی دست می گرفت، و می فرمود: *خدا یا به میوه، ما برکت بده، شهر ما را بر برکت گردان، و به زن و دارائی ما برکت و برابری بیشتری عنایت فرما، ثُمَّ يَدْعُو أَصْغَرَ وَلِيدٍ لَهُ، فَيُغْطِيهِ ذَلِكَ الثَّمَرُ*. (۱۲)

سپس کوچکترین کودکی را که در جلسه حضور داشت، فرا می خواند و آن میوه، نوبر و متبرک را باو می داد.

۳ - همچنین "مسلم" روایت می کند: یکبار آب میوه ای را برای پیامبر آوردند، حضرت مقداری از آنها نوشید، و در حالیکه در سمت راست او کودکی قرار داشت، و سمت چپ پیر مردانی نشسته بودند. پیامبر کودک را مخاطب قرار داد و فرمود: آیا اجازه می دهی آب میوه را به پیرمردان بدهم؟ کودک گفت: *لَا وَاللَّهِ، لَا أُؤْتِرُ بِنَبِيٍّ مِنْكَ أَحَدًا*. (۱۳) نه بخدا، من هرگز حاضر نیستم سهمیه ام را دیگران بخورند.

پیامبر اسلام، حسن و حسین (ع) را می بوسید و مورد ملاحظت قرار می داد، اقرع این شیوه را مورد اعتراض قرار داد، و گفت من ده فرزند دارم، و تا کنون هیچیک از آنها را نبوسیده ام رسول خدا با آن مرد نگاه تندی کرد، و در برابر آن رسم غلط زمان جاهلی، که از انحطاط فکری و اخلاقی، و غرور خشک آنان حکایت می کرد فرمود: *مَنْ لَابْرَحِمٍ، لَأَبْرَحِمَ*. (۹)

کسیکه رحم و عاطفه ندارد، و آنها در باره دیگران بکار نمی گیرد، قهرا "مورد رحمت و شفقت دیگران هم واقع نمی شود!

۴ - باز می خوانیم: پیامبر اسلام (ص) می فرماید: *نماز جماعت را در مسجد شروع کردم و تصمیم داشتم آنها طولانی و مفصل بخوانم، اما در حال نماز گریه، کودکی راشنیدم که از فراق مادر رنج می برد، بدین جهت نماز را کوتاه و خلاصه کردم، مِمَّا أَعْلَمُ مِنْ وَجْدِ أُمَّهِ مِنْ بُكَائِهَا*. (۱۰)

چون متوجه شدم، مادری که در نماز جماعت شرکت دارد، از گریه کودک خود، بریشان و ناراحت شده است!

باری، در این فرازاها هم ملاحظه کردیم پیشوای عالیقدر اسلام، در زمینه اعمال رحم و مروت و مهربانی و شفقت نسبت به کودکان چگونه آموزش می دهد، و حتی خود چگونه اسوه و الگوی عملی این خصلتهای ارزشمند اخلاقی و انسانی قرار گرفته است؟

ج: احترام به شخصیت کودک

بهمان موازاتی که انتظار داریم، از سوی کودکان و دانش آموزان، مورد تکریم و احترام واقع شویم، و برای این کار هم آموزش و مراقبت به عمل می آوریم، در مقابل برای تقویت روحیه

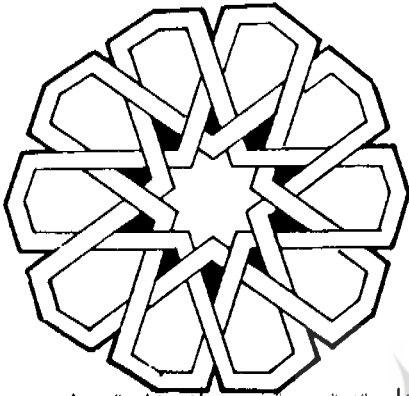
۴ - در حدیث دیگر می خوانیم : التلطف بالصَّيْبَانِ مِنْ غَاذَةِ الرَّسُولِ . (۱۴)
برخورد کردن با لطف و مهربانی با کودکان شیوه پسنندیده و همیشگی رسول خدا بود .

۵ - امام رضا (ع) روایت می کند ، که رسول (ص) فرمود ، مَا مِنْ قَوْمٍ كَانَتْ لَهُمْ مَسْؤِرَةٌ فَخَضِرَ مَعَهُمْ ، مِنْ إِسْمِهِ مُحَمَّدٌ أَوْ أَحْمَدُ ، فَادْخَلُوا فِي مَسْؤِرَتِهِمْ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهُمْ . (۱۵)

هر جمعیتی احتیاج به مشورت داشته باشند و کودکی بر آنان وارد شود ، که نام او محمد یا احمد باشد ، و او را در مشورت و نظر خواهی خود شرکت دهند ، اینکار برای آنان موجب خیر و برکت خواهد شد .

آیا برای احترام به شخصیت کودک ، و آموزش عملی وی باین شیوه های ارزشمند اخلاقی درجای دیگر راهنماهایها ، آموزشها و پرورشهای با اینهمه لطافت و ظرافت می توان یافت؟ و برای اینکه خلاء اینگونه نیازمندیهای معنوی را در جامعه پرکنیم ، آیا نباید از این اسوه ها و الگوهای متعالی بهتر بهره جوئیم ؟

نوازی آنروز پاهای آنانرا شستشو دهد ، آنگاه آنان از اینکار ناراحت و شرمنده شدند ، اما حضرت عیسی (ع) فرمود : إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْخِدْمَةِ الْعَالِمُ ، إِنَّمَا تَوَاضَعْتُ هَكَذَا ، لَكُمْ أَنْ تَتَوَاضَعُوا بَعْدِي فِي النَّاسِ كَتَوَاضَعِي لَكُمْ . (۱۶)



شایسته ترین شخص برای خدمت مردم به مردم ، عالم و مربی جامعه است ، و اینکه من در برابر شما تواضع بخرج دادم ، برای این است که شما هم بعد از من بدینگونه در برابر مردم احساس مسئولیت نموده ، و تواضع و خدمتگذاری داشته باشید .

البته از اینگونه نمونه های عملی اخلاقی و تربیتی ، در زندگی پیشوایان بزرگوار اسلام فراوان وجود دارد که بخاطر رعایت حوصله بحث از آوردن آن خودداری می کنیم .

ه : برقراری روح عدالت

عدالت اینست که هرکسی کار خود را انجام دهد ، هرکاری درجای خود انجام گیرد ، حق هرکسی باو برسد ، مرزها رعایت شود ، حدود و حقوق محفوظ باشد ، و پرورش چنین روحیه ها و احساسهای لطیف و عمیق اخلاقی و تربیتی قهرا " خاستگاه مناسب و موثر آن خانه و مدرسه می باشد ، که معمار اساسی آن ، یعنی ولی و مربی لطفاً " ورق بزنید

د : پرورش احساس مسئولیت
برای پرورش عملی احساس مسئولیت ، از سوی اولیاء و مربیان نسبت به نونهالان و کودکان ، غیر از اینکه از لابلای مطالب بالا بطور کلی این استفاده را کردیم ، که اولیاء گرامی اسلام بهر شکل ممکن می کوشیدند ، چنین احساسی را عملاً " بنمایش گذارند ، و یا شیوه عملی آنرا پرورش دهند ، در حدیث دیگری هم می خوانیم :
حضرت عیسی (ع) پیامبر بزرگوار الهی ، بکروز از یاران خصوصی خود درخواست نمود ، در برابر او سرتسلیم فرود آورند ، آنان هم این تقاضا را پذیرفتند ، ولی باکمال تعجب متوجه شدند حضرت می خواهد به رسم تشریفات و مهمان -

بترسید، در بین فرزندان خود، با انصاف و عدالت رفتار کنید.

آری، آموزش از الگوهای مثبت انسانی، در پرورش کودکان نقش فوق العاده‌ای دارد، و این شیوه مورد توجه دقیق پیشوایان بزرگوار اسلام هم بوده، تا جائیکه باید گفت: دعوت بهیچ کار نیکی نبود که پیغمبر (ص) خود در آن عملاً پیشقدم نبود، و هیچ کار زشتی مانند دروغ و خیانت و ناروایی نبود، مگر اینکه آن بزرگوار نخست خود از آن برهیز می‌کرد، و بالاخره طلابه داری، مربیگری، معلمی و تبلیغ اصالتها و ارزشهای اسلام تا آنجا حساس و پر مسئولیت است که، کسانی که دعوت و ارشاد و ادعای بدون عمل دارند، بعنوان الگوهای منفی و بوج مورد نكوهش قرآن کریم واقع شده‌اند "لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ" (۲۵) چرا چیزی را می‌گوئید، که خود بدان عمل نمی‌کنید؟!

۱- سوره احزاب، آیه ۲۱

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۱۰

۳- غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۷۵

۴- فهرست غرر و درر، ص ۳۴۳

۵- وسائل السیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۱، مکارم-

الاحلاق، ص ۲۱۹

۶- تربیه الاولاد فی الاسلام، ج ۲، ص ۶۵۴

۷ و ۸- ذخائر العقبی، ص ۱۳۱، تربیه الاولاد

فی الاسلام، ج ۲، ص ۶۵۶ و ۶۵۷

۹ و ۱۰- تربیه الاولاد فی الاسلام، ج ۲، ص

۶۵۵ و ۶۵۷، وسائل، ج ۱۵، ص ۲۰۳ و ۱۹۸

۱۱ و ۱۲- تربیه الاولاد فی الاسلام، ج

۲، ص ۶۵۹، ۶۵۷

۱۴- محجه البیضاء، ج ۳، ص ۳۶۶

۱۵- مکارم الاحلاق، ص ۲۲۵، بحار، ج ۱۰۱

ص ۹۳

۱۶- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷

۱۷ و ۱۸- مکارم الاحلاق، ص ۲۲۵، بحار، ج

۱۰، ص ۹۷ و ۹۲

۱۹- تربیه الاولاد فی الاسلام، ج ۲، ص ۶۵۵

۲۰- سوره صف، آیه ۲

پیش از دیگران، و بیش از دیگران، باید احساس و اندیشه این رسالت را، بکودکان تشریح نمایند.

پیامبر عالیقدر اسلام هم، همانطور که در بالا مطالعه کردیم، پیوسته در ارائه و آموزش اینگونه خصلتهای اخلاقی و تربیتی، الگوی عملی پیشگام بود، و هرگاه هم با شیوه‌ها و الگوهای غلط و منحرفی برخورد می‌کرد، آنرا مردود و ممنوع می‌ساخت، چنانکه در روایت می‌خوانیم، در حضور رسول گرامی اسلام مردی که دو پسر داشت، یکی از آنانرا بوسید، و از بوسیدن دیگری خود داری کرد!

حضرت آنمرد را بانگاه تندمی‌مورد خطاب قرار داد، و فرمود: قَهْلًا وَاَسِیَّتَ بِنْتَهُمَا. (۱۷) پس چرا میان آنان مساوات و عدالت را رعایت نکردی؟

آنوقت در برابر آن روشهای نامطلوب و خصلتهای ناپسند، می‌فرمود: اَعْدِلُوا بَيْنَ اَوْلَادِكُمْ، کَمَا تَحِبُّونَ اَنْ يَّعْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِی الْبِرِّ وَاللِّطْفِ. (۱۸)

در میان فرزندان خود با عدالت رفتار کنید. همانگونه که دوست می‌دارید، آنان متقابلاً با لطف و نیکی نسبت به شما رفتار نمایند.

در حدیث دیگر می‌خوانیم: مردی بحضور رسول خدا آمد و گفت: من بخشی از دارائی خود را باین فرزند داده‌ام، پیامبر (ص) فرمود: آیا بهریک از فرزندان خود اینقدر سهمیه داده‌ای؟ مرد پاسخ منفی داد، آنگاه رسول خدا ادامه داد: اِتَّقُوا اللَّهَ، وَاَعِدُّ لَوْا فِی اَوْلَادِكُمْ. (۱۹)

خدا را در نظر داشته باشید، از کفر او

مزوی شده بودم .

یکی دوبار مادرم مرا نزد پزشکان معالج برده برایم نسخه نوشتند. یکبارهم مرا پیش روانکاو بردند. وقتی روانکاو از تو مادرم پرسید که آیا بین مریم و امیر فرق واستثنائی قائل می شوی یا نه تو مادرم با جرات گفتی نه هرگز هردو پیش ما عزیز بوده ومن محبت ها را بین آن دو تقسیم می نمایم .

در چنین مواقعی دلم بدرد می آمد، می خواستم فریاد زده بگویم مادر چرا دروغ می گوئی. عامل همه بدبختی های من توهستی اگر تو میان من و برادرم تبعیض قائل نمی شدی من در آستانه بیماری وجنون قرار نمی گرفتم. امید داشتم آن شخص روانکاو از منم سؤال می کرد . روزها بسرعت می گذشت. من و امیر هردو بزرگ می شدیم. من در کلاس اول راهنمایی بودم و امیر نازه بکلاس اول دبستان می رفت .

روزی در اطاق نشسته مشغول انجام تکالیف درسی خود بودم ، دیدم امیر دوان از درب خانه وارد شده صدا می زند مادر کجائی، مادر کجائی، بیا ببین معلم من به من کارت صد آفرین داده است .

با شنیدن این جمله پنگ آهنی به مغز من کوبیده شد. درست یاد روزی افتادم که با کارت صد آفرین بخانه آمده بودم و تو مادر بجای تشویق وتحسین اصلا " بکارت صد آفرین من توجهی نکردی. بیازی کردن با امیر ادامه دادی. ذهن کوچک من گفت بدون اینکه کسی بفهمد مراقب باش ببین مادرت در برابر کارت صد آفرین برادرت امیر چگونه عکس العمل نشان خواهد داد . من مشغول نوشتن تکالیف خود بودم ولی با همه وجود مراقب امیر و تو مادرم بودم

وقتی تو شنیدی که امیر کارت صد آفرین گرفته است با اینکه مشغول ظرف شستن بودی فوراً دستهای خود راشسته دوان دوان آمدی امیر را در آغوش گرفته پس از نثار کردن بوسه داغ و گرم فریاد زدی کاکل پسر من می دانستم تو شاگرد اول هستی، حالا بیدرت خواهم گفت برای تو ترن خریداری کند .

مادر تو با گفتن این کلمات درست است که به امیر جان وتوان دادی ولی در عوض جان و توان را از من گرفتی ومن زنده را نابود ساختی آخر مادرمگر بین این کارت های صد آفرین دختر و پسر فرقی وجود دارد .

مادر با شنیدن این کلمات کینه ها و دشمنی ها در دل من زبانه کشید، هم نسبت بتو وهم نسبت به امیر اما نسبت به تو از این نظر که من احساس می کردم تو بین من و برادرم تبعیض قائل شدی، محبت های خود را بین من و برادرم تقسیم نمودی .

مادر می دانی وقتی معلم دینی مدرسه ما در کلاس رفتار بیامبر اسلام را تشریح کرده می گفت پیامبر وقتی در جمعی قرار می گرفت نگاه های خود را میان اطرافیان تقسیم می کرد تا مبادا کسی گمان کند شاید کمتر مورد توجه او قرار گرفته است . مادر بگذار بگویم وقتی این کلمات را در مدرسه من می شنیدم قطرات اشک از چشمانم جاری شده از کلاس به بهانه ای بیرون می آمدم زیرا می دیدم در خانه ای زندگی می کنم که علاوه بر نگاه ها، محبت ها و مهر تقسیم نشده است .

در پایان این نکته را تذکر می دهم تا همه پدران ومادران بدانند که کودکان خانه همه احتیاج به مهر و محبت دارند. مهر و محبت همانند نور خورشید باید همه را یکسان و برابر فرا بگیرد تا همه یکسان و برابر رشد پیدا کنند .



تکالیف نوشتنی را خوب انجام داده است باید .
اتفاق می افتد ، شب دم در به من برخورد می -
کند و فوراً اطلاع می دهد :

باز بدنوشتم ، اما الان دوباره می نویسم
باشد ماما ؟

اگر بد شده حتماً یکبار دیگر بنویس .
و اغلب اتفاق می افتد که بدون اینکه منتظر
مراجعت من بشود ، تکلیفی را که کتیب و
سرسی نوشته ، دوباره بنویسد .

وضع روخوانیش بدتر بود . علی دوست
نداشت کتاب الفبا را بخواند ، و ما مجبور بودیم
خواندن را به شب موکول کنیم .

من مشغول تهیه شام می شدم و علی کتاب
الفبا را جلوی خود باز می کرد و درسی را که
داده شده بود به صدای بلند می خواند . این
کار هر روز تکرار می شد ، پسر من دانست که
هیچ گونه تخطی از نظام مقرر وجود نخواهد
داشت ، و با اینکه چندان میلی نداشت ولی هر
شب سردریش می نشست و پیش من می خواند .
این کار برایش عادت شده بود .

اما اوایل مجبور می شدیم متوسل به حیل‌های
گوناگونی بشویم تا او راپشت کتاب بنشاند .

هر قدر یاد آوری می کردم که حالا وقت
درس خواندن است ، او تنها یک پاسخ می داد :
ماما من حالا دلم نمی خواهد ، بعد . . .

درست است که آسان‌ترین راه آنست که آدم
به پسرش دستور دهد که بی معطلی سردریش
بنشیند ، اما من هیچ دلم نمی خواست اورا بزور
سرگرم درس کنم .

در چنین مواردی اغلب می گفتم :

بیا شد "مدرسه بازی کنیم"

مهری باکمال میل موافقت می کرد و فوراً "

عروسکتی را می نشاند . او می خواست خانم معلم
شود . علی نیز این بازی را دوست داشت . در
این بازی عروسکها یا حتی گریه هم که اغلب از
کلاس احراحتی می کردند ، شرکت داشت ، زیرا که
به حرف خانم معلم گوش نمی کرد و بجای اینکه
(بنویسد) مداد یا دفتر خود را که از تکمیل
روزنامه درست شده بود گاز می گرفت . واضح
است که در این جمع ، نوآموز نمونه شدن مشکل
نبود .

زر - زر - زر . . . - صدای بلند ، گوش خراش

ونه چندان دلپذیر زنگ بلند می شد ، اما کاری



نمی شد کرد. اگر این جا مدرسه است، پس زنگ هم وجود دارد.

ساکت بچه‌ها! درس را شروع می کنیم - مهری - خانم آموزگار - این را می گفت و صفحهای از آخرین درسها را باز می کرد. می دیدم که موقع دخالت من دربازی فرا رسیده است، و من به عنوان "مدیر" مدرسه به خانم آموزگار پیشنهاد می کردم:

این صفحه را خوب بخوانید، این حارا، و سطرهایی را که امروز به علی درس داده بودند نشان می دادم.

خانم آموزگار به صدای بلند می خواند، و سپس علی را جلوی "تخته سیاه" صدا می کرد. او و تمام آنچه که لازم بود می خواند نه یک مرتبه، بلکه چند مرتبه. ابتدا از طرف خود و سپس بجای گریه و عروсок...

ارزشمندترین موضوع در این بازی آن بود که علی بدون هیچ گونه اجباری، با رغبت تمام کتاب را می خواند.

برای علاقه مند ساختن پسر من به خواندن و استحکام بخشیدن به آنچه که در مدرسه می خواند یک بازی دیگری را نیز اچرامی کردیم و آن بازی کلمه بود. این بازی معمولاً "ضمن کار اصلی" انجام می گرفت و تمام افراد خانواده در آن شرکت می جستند.

یک روز عصر کودکان از من خواستند: ماما، امشب برای شام سیب زمینی سرخ کن (این غذا را بچه‌ها خیلی دوست داشتند). من در این موقع خیاطی می کردم و شوهرم رو به بچه‌ها کرد و گفت:

می بینید که ماما کار دارد، اگر می خواهید برای شام سیب زمینی سرخ کنیم، پس بیائید خودمان درست کنیم.

همه با هم سرگرم کار شدند. مهری سیب زمینی‌ها را پاک کرد و علی شست، بابا آنها را قطعه قطعه کرد و سرخ نمود. من هم با دوختنی ام همان جامشغول بودم. کار پیش می رفت، همه خوشحال بودند و تصمیم گرفتند بازی کلمه بکنند.

بابا برسید:

اگر در کلمه سارا، حرف اول را با حرف "د" عوض کنیم چه کلمه‌ای به دست می آید؟ علی می توانست این کلمه را بخواند. به فکر فرو رفت. این مسئله برای او کمی سخت بود اما همه با حوصله منتظر بودند، بالاخره به حرف درآمد و با خوشحالی گفت:

لطفاً "ورق بزیند"

دارا

این بازی سرگرم کننده، که در آن من وبابا شرکت کردیم، برای او، کارجدی بود، راه فراگیری سواد بود.

علی دوست داشت کتابهای کودکان را تماشا کند، اما می ترسید آنها را بخواند، من اغلب به او می گفتم:

خوب نگاه کن و کلمه های آشنا را پیدا کن.

کلماتی را که می شناخت پیدایم کردمانند: بابا، نان و غیره و خیلی خوشحال می شد. کتاب دیگر برای او ترس آور و غیر قابل درک نبود.

ترس از خواندن از وی بتدریج دور می شد. مسلم است که او کتاب را بطور واقعی زمانی دوست خواهد داشت که بتواند روان بخواند.

مهری هم قبلا نمی توانست خودش بخواند و ماگاهی با او مشترکا " می خواندیم . چند سطر می خواند و دنبالش رامن می خواندم و دوباره او می خواند. روزی در حالیکه مهری کتاب را به من می داد از من خواست:

ماما از اول آنچه را که می خواندم بخوان چون من نفهمیدم چی نوشته شده.

فهمیدم که او دوست ندارد بخواند، زیرا تمام نیروی خود را برای تلفظ کلمات صرف می کند و مفهوم جملات را در نمی یابد.

این بود که من و شوهرم فهمیدیم که نباید او را بزور به خواندن کتاب وا داریم، والا خواندن برای وی به مجازات تبدیل شده، از کتاب متنفر می شود. ما چون این را فهمیدیم کمتر با او کتاب خواندیم. ضمنا " همان متن را که مهری خوانده بود تکرار می کردیم تا مفهوم آنرا بخوبی درک کند. او بزودی عادت کرد که روان بخواند و نیاز به پی در پی خواندن از بین

رفت. حالا دخترمان با کمال میل خودش می خواند.

ما فکر می کنیم همانگونه هم باید با پسرمان رفتار کنیم که او بتواند داستانهای ساده را بخواند.

در خاتمه می خواهم یکبار دیگر خاطرنشان سازم که کودک در اوایل تحصیل در مدرسه نیازمند توجه بیشتری است. تجربه کار با دخترمان در این مورد ما را متقاعد کرد. فکر می کنم که پسرمان هم به کمک ما بتواند با کمال میل کتاب بخواند.



در هر صورت، خصوصا " پس از گرفتن اولین نمره بیست که گرفتنش برای او خیلی مشکل بود خیلی آسان مشتاق مدرسه شد. او گاهی حتی شبها از خواب بیدار می شد، می ترسید که به مدرسه رفتنش دیر شود. در حال حاضر که او به مدرسه می رود، قیافه اش چنان است که گوئی کار خیلی پر مسئولیتی انجام می دهد. بلی او چنین است. درس خواندن برای او، ضروری ترین و مهم ترین کارها است.

ترجمه محمد تقی زاد



حال پایان دادن دوره بچگی می باشد .
الزما " از کودک نه تنهادرسن ۵ سالگی
بلکه درطی آن تا ۶ سالگی انتظار می رود که
مثلا " نحوه " خداحافظی " را به روش بچگانه
انجام دهد ، اما گاهی والدین در این مورد
افراط می کنند .

بعضی از والدین به فرزندشان اجازه رفتار
کودکانه را داده و حتی چنین رفتاری را هم
تشویق می نمایند . ضمنا " آنها باید کودک را از
انجام مسئولیتی که ظرفیت پذیرفتن آنرا ندارد
منع کنند .

گروه دیگری ازوالدین سعی می کنند ازکودک
۵ ساله مردی کوچک بسازند واز وی انتظارانجام
کارهایی خارج از ظرفیت سنی اش را دارند .
امروزه بیش از پیش والدین باید روش مناسبی
را دررابطه یارشد کودک بیابند . والدینی که
کودک ۵ ساله را طفل می شمارند باید بپذیرند که
او دیگرطفل نیست ، بلکه بجهای مدرسه رواست
وهمچنین بدران و مادرانی که طفل خودرا خیلی
رشد یافته می انگارند باید بخاطر داشته باشند
کهوی هنوز یک بچه کودکستانی است .

ترجمه : انجمن مترجمین متون علمی و فنی

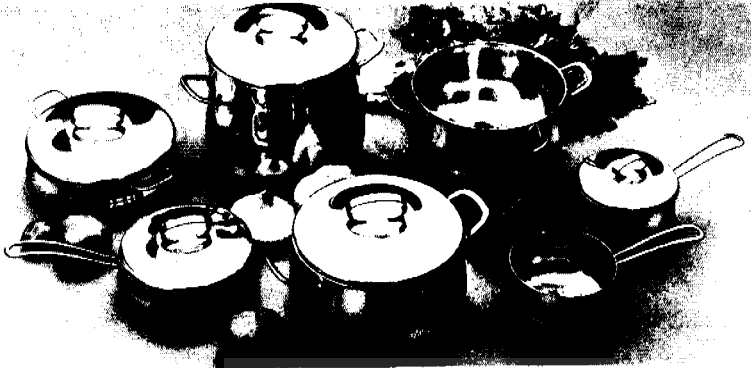
باشند . اشکال زمانی بوجود می آید که مثلا " وقت
خواب یک شب ساعت ۷ و شب دیگر ساعت ۹
است . کوشش کنید که کودک هر شب در یک
زمان معین به بستر رود ، البته چنین زمانی
بستگی به مقدار خوابی دارد که کودک بدان
نیازمند است .

برای کودکی دراین سن یک ساعت یا کمی
بیشتر دراز کشیدن دربستر قبل ازخواب امری
عادی است . اکنون که کودک مدرسه را شروع
کرده و دنیای کاملا " جدیدی را در مقابل خود
می بیند ، مانند فردی بزرگسال رویدادهای
روزمره را قبل از خوابیدن در ذهنش مرور می-
کند . بسیاری ازوالدین به تصور اینکه مبادا
مدرسه از نظر روحی کودک را دچار اشکال کند
مضطرب می گردند ، اما اگر از کودک خواسته شود
آنچه را که فکر می کند با شما درمیان گذارد
مشاقانه این کار را خواهد کرد و هیچگونه
دردسری هم بوجود نخواهد آمد . تنها کودگانی
که از فشارهای روحی دراین سن رنج می برند
ممکن است از نظر خواب شبانه دچار کمی
ناراحتی گردند .

همانند سه سالگی که سن انتقال از نوزادی
به بچگی است ، کودک ۵ ساله نیز بتدریج در

خصوصیت بازی بودن را در کارهای ذهنی کودک حفظ کنید
اجبار نباید عامل انجام کار باشد بلکه محرک اصلی باید حس
کنجکاوی و شوق به کشف باشد .

یادداشت‌های معلم خانه‌دا



کیک بگذارید .

با آنکه یک تکه نان تازه را بوسیله خلال دندان به قسمت بریده شده کیک وصل کنید . از خشک شدن و بیات گردیدن کیک جلوگیری خواهد کرد .

خوراکی‌ها را چگونه می‌توان نگهداری کرد ؟

پنیر

برای جلوگیری از خشک شدن پنیر ، دستمالی را که با سرکه مرطوب ساخته‌اید روی آن بپیچید . پنیر هلندی

نان

اگر داخل کیسه نان ، یک پرساقه کرفس بیندازید ، نان را برای مدت بیشتری تازه نگاه خواهد داشت .

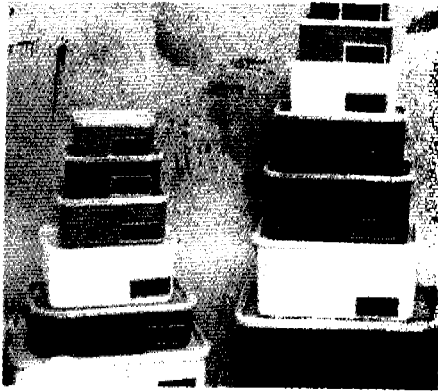
برای آنکه پنیر هلندی ، دست کم از لحاظ زمانی دو برابر حدمعمول تازه بماند ، کارتن آن را در انبار وارونه نگهداری نمایید .

برای آنکه نان خشک را تبدیل به نان تازه کنید آن را درون حوله تمیز و مرطوبی پیچیده مدت ۲۴ ساعت درون یخچال بگذارید سپس حوله را بردارید و نان را چند دقیقه در فر ، با روی بخاری گرم کنید .

کیک

عسل تنها ماده زمینی است که با گذشت زمان فاسد نمی‌شود . حتی از درون مقابر باستانی چند کوزه عسل بدست آمد که علی‌رغم گذشت

برای جلوگیری از خشک شدن کیک ، سببی را از وسط نصف کرده ، یک نیمه آن را درون جعبه



۲۰۰۰ سال، همچنان تازگی خود را حفظ کرده بود. قدیمی‌ها می‌گفتند که یک عسل خوب هیچگاه نباید شکرک بزند. آنچه در زیر توصیه می‌کنیم، در رابطه با عسل‌های جدید و موجود در بازار است:

عسل را در ظرف پلاستیکی کوچک و دردار مخصوص فریزر بریزید تا شکرک نزند. هنگام مصرف، در اندک مدتی سفتی آن از میان رفته حالت طبیعی خود را باز خواهد یافت.

هرگاه عسل شکرک زد، کافی است شیشه عسل را درون ظرف مملو از آب جوش بگذارید.

روغن زیتون

در گذشته برای نگهداری روغن زیتون روش خاصی را توصیه می‌کردند. روغن زیتون را در ظرف دهان تنگی ریخته، به ارتفاع ۵ سانتیمتر روی آن الکل می‌ریختند تا روغن را گرفته مانع از نفوذ هوا شود. سپس سربطری را بسته در محل خشک و تاریکی نگهداری می‌کردند. آنها معتقد بودند برای این منظور، ظروف سفالی بهتر از ظروف شیشه‌ای است. در غیر این صورت بهتر است از بطری‌های تیره‌رنگ و سیاه استفاده گردد.

ولی روش بالا، اگر هم که سودمند باشد شاید در حال حاضر برای برخی از مردم، مناسب یا مفروض به صرفه نباشد. بنابراین روش ساده‌تری را آزمایش کنید. برای آنکه روغن زیتون شما دیرتر خراب شود، یک حبه فند داغ را داخل آن بیندازید.

سبزیجات یخ زده!

اگر می‌خواهید سبزیجاتی که در فریزر

نگهداری کرده‌اید، عطر و طعم و تازگی خود را باز یابید، پس از خارج کردن از فریزر، برای زدودن یخ آن، رویش آب جوش بریزید. سبزیجات شما معطر و خوش طعم خواهد شد.

سبزیجات رنگین!

وبالاخره برای آنکه هنگام بختن، سبزیجات طراوت خود را همچنان حفظ کنند مقدار بسیار کمی جوش شیرین به اندازه یک نوک انگشت به آن اضافه کنید.

برق افتادگی لباس

لباس‌های تیره‌رنگ، پس از مدتی استفاده یا بر اثر بکار بردن اتوی داغ، برق می‌اندازد که در نتیجه آن لباس کهنه بنظر می‌رسد.

خانمی از اینکه لباس او برق انداخته بود ناراحت بنظر می‌رسید. روزی به من گفت:

کمی دارم که بسیار دوست می‌دارم. هر چند نوست، ولی آستین آن بر اثر تماس دسته کف برق انداخته است و منظره ناپسندی پیدا کرده



است. یکبار از خیاط خود سؤال کردم، گفت چاره‌ای ندارد. نمی دانم چکار باید کرد؟ خانم دیگری می نالید که لباس های تیره رنگ شوهرش گرفتار چنین ضایعاتی شده و عقلش به جایی قد نمی دهد. هردو رادلداری دادم و گفتم:

غصه نخورید، اینهم چاره‌ای دارد. البته لباس شوئی های معتبر معمولاً می توانند برق لباس را از بین ببرند، ولی هیچکس، بیشتر از خود شخص، نسبت به لباسش دلسوزی به خرج نمی دهد. بنابراین ابتدا روشهایی که من به کار می برم آزمایش کنید، و اگر نتیجه مطلوبی نگرفتید، آنوقت به لباس شوئی مراجعه نمائید. ولی اطمینان داشته باشید که آنها نیز همین روش های قدیمی را بکار می برند.

پارچه نخی و گره داری را مانند یک حوله نخی درون سرکه داغ (خالص و بدون آب) فرو برید. سپس آن را بیرون کشیده خوب بچلانید. آنگاه، این پارچه را محکم در نقطه‌ای از لباس برق افتاده بمالید. برق لباس برطرف خواهد شد. در مورد لباس های گاباردین، یا کرب سیاه رنگ نیز می توانید به همین ترتیب عمل نمائید. توجه داشته باشید که هیچگاه لباس را خیسه نکنید. به اتوهم احتیاجی نیست.

بجای سرکه می توان از آمونیاک والکل استفاده کرد. و این شیوه بویژه برای لباس های ابریشمی (بخصوص سیاه رنگ) که برق انداخته مؤثر است. برای این منظور، کمی آمونیاک را با چند قاشق غذا خوری الکل مخلوط نمائید. سپس اسفنجی را درون این محلول فرو برده در محل مورد نظر بمالید.

در مورد لباس های مردانه، می توانید هردو روش را آزمایش کنید. همچنین یک روش دیگر را

که استفاده از آب و آمونیاک می باشد و نسبتاً قدیمی تر است. و این روش، برای آندسته از پارچه های پشمی با الیاف مصنوعی که آب آنها را خراب نمی کند مناسب است. برای این منظور نیم لیتر آب را با یک قاشق و نیم آمونیاک مخلوط کنید. سپس گرد و غبار لباس را خوب گرفته، ماهوت پاک کن یا بروس لباس رادر محلول فوق زده، از جهت طول پارچه در محل برق افتادگی بمالید. هنگام انجام اینکار، باید زیر لباس، پارچه تمیزی قرار دهید و هر بار که این پارچه خیس شد، آنرا تعویض نمائید. در آخر کار نیز با آب تمیز لباس را بروس بزنید. بهر حال بهتر است قبلاً "از روش های فوق که به آب نیاز ندارد استفاده کنید.

برای جلوگیری از برق افتادن احتمالی لباس درآینده، بخاطر بسپارید که هیچگاه اتوی داغ را مستقیماً روی پارچه نگذارید، بلکه بهتر است ابتدا درجه اتورا متناسب با نوع پارچه تنظیم کرده و همیشه پارچه نخی نازک و تمیزی روی لباس انداخته سپس اتو بزنید. فشار اتو را نیز متناسب با نوع پارچه در نظر داشته باشید.

ماهی تابه سوخته!

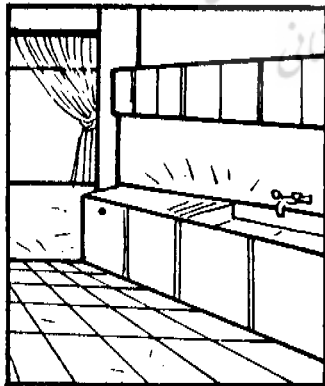
برای پاک کردن ماهی تابه یا قابلمه هائی

روی لکه خون را فوراً با خمیری که از آب سرد و نشاسته ذرت درست کرده‌اید بیوشانید . به آرامی بمالید و آن را مقابل آفتاب قرار دهید تا خشک شود . آفتاب خون را از پارچه خارج ساخته به نشاسته جذب می‌کند . سپس با ماهوت پاک کن آن را بروس زده پاک کنید . اگر لکه خون کاملاً پاک نشد ، این عمل را چندبار تکرار نمایید .

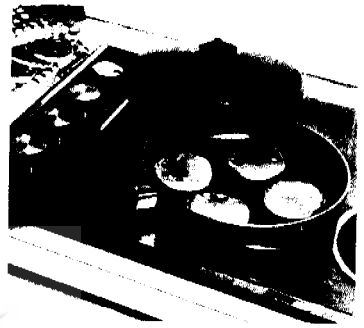
برخی از خانمهای خانه‌دار معتقدند که برای شستن پارچه آغشته به خون ، بهتر است بجای پودر لباس شوئی از مایع ظرف شوئی استفاده کرد که البته امتحانش مجانی است !

دریچه اطمینان !

برای جلوگیری از سررفتن سبزیجات ، قبل از پختن ، یک خلال دندان لای در مقابل مسم یعنی بین در و لبه ظرف - قرار دهید . اینکار باعث خواهد شد که بعداً مقدار کافی بخار از آن خارج شود و از کف کردن و سررفتن غذا جلوگیری گردد .



که سوخته و ته گرفته است ، هیچگاه با قاشق یا دیگر وسایل فلزی به جان آنها نیفتید ، زیرا فرایند کار ، چیزی جز خراشیده شدن تهماهی تابه یا قابلمه نخواهد بود . و از سوی دیگر ، صدای ناهنجار برخورد وسایل دوفلزی با یکدیگر ، چون سوهان روح ، اعصاب خسته را تحریک خواهد نمود . پس چگونه می توان بی سرو صدا ، آثار سوختگی را از میان برد ؟ من به شما خواهیم گفت :



ته ظرف سوخته ، مقدار زیادی جوش شیرین بریزید و آنقدر آب به آن اضافه کنید که فقط مرطوب شود . بگذارید چند ساعت بماند . معمولاً با این اقدام می توانید قسمت سوخته شده را بلند کرده دور بیندازید .

لکه‌های سرسخت را از ظروفی که معمولاً غذا به ته آنها نمی چسبد ، می توان با روش زیرساز میان برد :

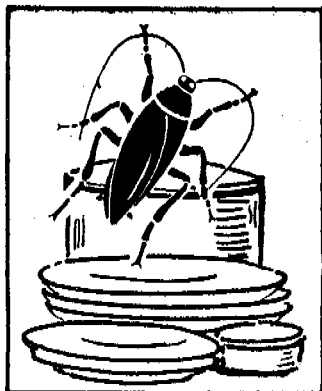
دو قاشق غذا خوری جوش شیرین ، نصف فنجان سرکه و یک فنجان آب در آن ریخته مدت ۱۰ دقیقه بجوشانید .

زدودن لکه خون از پارچه

اگر خون روی پارچه چکند ، هیچگاه آن را با آب گرم نشوئید ، بلکه همیشه آب سرد بکار برید .

راههای مبارزه علیه دشمنان

کوچک خانگی



درست مورد استفاده قرار نگیرند
بویزه درخانه‌های بچه‌دار ممکن
است ضایعاتی بی‌آوردند. بنابراین
در اینجا به ذکر چند نکته سودمند
که در نابود ساختن لشکریان این
موجودات کوچک بی‌تأثیر نیست
اشاره می‌کنیم:

سوسک — سوسک خانگی که به سوسک
حمام موسوم است، یکی از
جانورانی است که مثل برق زاد و
ولد می‌کند و اگر مانع نشوید، در
اندک مدتی همه خانه را سوسک
برمی‌دارد. از در و دیوار بالای
خود را به درون غذاها
می‌اندازند، درون وان خالی
حمام یا جاهک آسبزخانه به
تحسس می‌پردازند، و محل
تجمع آنها، بیشتر جاهای گرم و
تاریک مانند آسبزخانه است که هم
گرم است و هم غذاهای
خوسمزه‌ای برای آنها در آن یافت
می‌شود. بیشتر اوقات نیز از داخل
جاهک بافاضل آب بیرون می‌—
ریزند و به محتویات خانه شیخون
می‌زنند. بهترین راه مبارزه با

با تغییر فصل، دوباره سرو کله
موجودات موزی کوچکی که در خانه
مازندگی می‌کنند پیدای می‌شود.
آنها نه تنها بابت اقامت در خانه
ما اجاره‌ای نمی‌پردازند، بلکه به
تدریج ساکنان اصلی خانه را دچار
دردسر و ناراحتی می‌سازند. جناب
مورچه زیربنای خانه را سست
می‌کند. موربانها، در و
پنجره‌ها و وسایل چوبی را سوراخ
می‌کنند، سوسک‌ها، لباس‌ها را
می‌چوند، و موجود موزی دیگری
بنام "بید" البسه پشمی و فرش و
قالیچه‌های ما را بی صدا نوش‌جان
می‌کند. و در حال حاضر، به‌موش
و مگس و پشه و دیگر جانوران مزاحم
کاری نداریم. همین چند قلم که
در بالا ذکر کردیم، با قدیم
و جیبی شان برای تخریب یک خانه
کافی هستند.

هر چند برای از میان برداشتن
این جانوران موزی، داروهای
شیمیائی گوناگون ساخته شده، ولی
این داروها نیز اگر به گونه‌ای

سوسک، استفاده از اسید بوریک
و نفت است.

بنام کیلو ترکیب اسید بوریک
می‌توان خانها برای یکسال از
وجود سوسک پاک کرد. البته

اسید بوریک، مانند برخی از
حشره‌کش‌ها یا مواد ضد آفت
سوسک‌ها را به سرعت از بین
نمی‌برد، ولی اثر آن پایدار بوده
و مدت زیادی دوام خواهد
داشت. اگر سوسک‌ها یک ماده
سمی را در برخورد اول نپسندند
می‌آموزند که خود را از آن کنار
بکشند، مگر آنکه بصورت اسپری
مستقیماً بر روی آنها پاشیده شود
ولی اسید بوریک را سوسک‌ها
دوست دارند و از آن دوری نمی‌
کنند. بنابراین، بارها و بارها به
سراغ آن می‌روند تا آنکه حان
خود را در این راه از دست بدهند!
فقط کافی است اسید بوریک را در
شکاف‌ها، سوراخ‌ها و زیر جاهک‌ها
و دیگر جاهای تاریک بریزید، بهتر

اگر می‌خواهید مورچه‌ها از پایه‌های نیمکت یا میز بالا نرفته و خود را به غذاهای روی میز نرسانند پایه‌های نیمکت یا میز را که در حیاط، باغ و یا خارج از ساختمان گذاشته‌اید، بانوار چسب بیوشانید بطوریکه طرف چسبناک آن به سوی خارج باشد. برای این منظور، نوار چسب را در حدود ۵ سانتیمتر بالاتر از زمین، یکدور به پایه میز یا نیمکت بچسبید. چون چسب آن بطرف خارج است، مورچه‌ها هنگام عبور از آن با دشواری روبرو شده از بالا رفتن منصرف خواهند گردید.

اگر مقداری نیک طعم‌رادر محل پایه‌ها یا قفسه‌ها بریزید مورچه‌ها را از حرکت یادستری به‌دیگر قسمتها بازمی‌دارد. هرچند مورچه‌ها بیشتر مایلند محل سکونت اصلی خود را در خارج از خانه و در فضای باز قرار دهند بطور کلی از بوی کاج و صنوبر خوششان نمی‌آید. بنابراین از رفتن به داخل آشپزخانه‌ای که در آن مواد پاک کننده حاوی اسانس کاج وجود دارد نفرت دارند. هرگاه این مواد را بری پاک کردن جاهک آشپزخانه و یا بنجره‌ها بکاربرند مورچه از ورود به آشپزخانه خود - داری خواهد کرد.

حتی دلباختگان طبیعت و

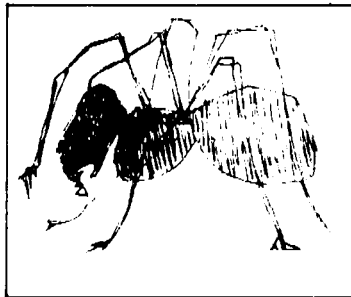
است برای خلاص شدن فوری از شر سوسک‌ها، ابتدا با حشره کش روی آنها بپاشید، سپس از چند روز کار را باروش اسیدبوریک آغاز نمائید.

یکی دیگر از راه‌های مؤثر برای نابود ساختن سوسک‌ها آنست که درون توالت، فاضل آب هانفت بریزید. نفت دشمن شماره یک سوسک‌ها بشمار می‌رود. لشکر مورچه‌ها _____

مورچه‌ها با گرم شدن هوا، از لانه خود خارج شده به جمع آوری آذوقه می‌پردازند. برای مبارزه با آنها می‌توان به طرق زیر عمل نمود:

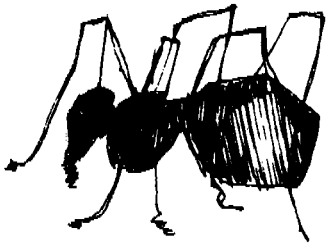
چند قطعه اسفنج را درون آبی که با شکر شیرین شده است فرو برید و آن‌ها را در محل اجتماع مورچه‌ها و یا در مسیر رفت و آمد آنها قرار دهید. سپس متناوباً اسفنج‌ها را برداشته در آب فرو برید. مورچه‌هایی که به آن چسبیده اند در آب خفه خواهند شد.

برای رهائی از شر مورچه‌های قرمز، مقدار کمی مریب گلی تازه که به آن مریبی معمولی نیز می‌گویند در گنجه‌ها و اسکاف‌ها بگذارید. برخی از مردم برای از بین بردن مورچه‌ها، روش بیرحمانه‌ای در پیش می‌گیرند به این معنی که لانه و یا تبه مورچگان را در داخل



کنیم. هنگامی که بمناسبت تغییر فصل، می‌خواهید البسه خود و اعضای خانواده را جمع کرده در مکانی انبار نمایید، درجیب‌های البسه پشمی، میخک درسته قرار دهید و یا میخک را درون کیسه‌های کنار پولوور، ژاکت، گرم کن و نظایر آنها قرار دهید. این کار برای جلوگیری از بیدزدگی مفید است و ضمناً "بوی معطری نیز ایجاد خواهد کرد.

قبل از آنکه پتوهای خود را در فصل تابستان انبار کنید، آنها را بشوئید و هنگام شستن، دولیوان نفتالین به آب آن اضافه نمائید. با فرار رسیدن فصل مناسب، هرگاه آنها را در هوای آزاد آویزان کنید بوی آنها از بین خواهد رفت.



خانم خانه داری راه و رسم بکار بردن آن را می‌داند، ولی در اینجا به کمک نفتالین به کیسه‌های متوسل می‌شویم. سنجاقی را به شکل قلاب خم کنید. نوک سنجاق را حرارت دهید و آن را به درون گلوله نفتالین فروبرید. وقتی خنک شود، همچون سیمانی سخت و محکم شده سنجاق را در خود نگاه خواهد داشت. این گلوله نفتالین را مانند سنجاق سینه به لباسهای خود بیاویزید و یا هنگام نگهداری میل و کمانچه و دیگر وسایل به آنها متصل نمائید.

البته مواد ضد بید دیگری بصورت ورقه ساخته شده که فاقد بوی نفتالین است. در صورت تمایل می‌توانید آنها را از فرو-شگاهها یا داروخانه‌ها تهیه نمائید و درون کمد لباس خود بیاویزید. داخل جمدان لباس‌های غیر فصل قرار دهید، و با زیر فرش بگذارید.

حال از لحاظ صرفه‌جویی به یک ماده ضد بید دیگر اشاره می-

از طرفداران حمایت حیوانات، اینکه حشرات کوچک به درون آرد نفوذ کنند، تمایلی نشان نمی‌دهند، چه برسد به یک خانم خانه‌دار که دوست دارد آرد آشپزخانه‌اش عاری از هرگونه آلودگی باشد. برای جلوگیری از ورود اینگونه حشرات به داخل آرد و یا لایقلسرای جلوگیری از اقامت آنان یک قاشق غذاخوری نمک را درون پارچه کوچکی ببندید و آن را درون گونی یا ظرف حاوی آرد قرار دهید. برای مقادیر کمتری، مانند نشاسته، ذرت، بسته‌های ۲/۵ کیلوئی آرد وغیره یک قاشق غذاخوری نمک کافی است. جلوگیری از بیدزدگی

برای جلوگیری از بیدزدگی راههای مختلفی وجود دارد که در زیر به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم:

یکی از مواد موثر ضد بید نفتالین است که بی تردید هر

کوشش‌های بدو مشارکت اولیاء به جا نرسد.

بہتر است بگوئیم پیشداوری جای خود را به گفت و شنود می دهد. از آنجا که کتاب سمبول و نشان دانش است، خانواده ها وقتی کودک خود را با کتاب مرتبط می بینند از لحاظ روانی و تمنیاتی که در مورد اولاد خود دارند

بویژه کودکان را تشویق به خواندن می کند و شوق ایجاد می نماید. و این مطلب بویژه، از لحاظ اینکه در این گروه از خانواده ها این احساس را ایجاد می کند که جامعه آنها را فراموش نکرده بلکه با آنها توجه دارد، خود از جنبه های

بیفایده و ناتوانی که شکست و ناکامی های مستمر خانواده آنها را تقویت می کند. علامت این ناکامی فرسودگی است که در قیافه ها و در هیكل افراد مشهود است و نیز خستگی و وضع جسمانی دائما " مختل و آسیب پذیرانان حال باید دید موضوع کتاب



احساس رضایت و شادی می کنند و احساس غرور و مباهات می نمایند و این کار بتدریج آنها را با حقوق و مسئولیت هایشان آشنا می سازد و بصورت تمرین و آموزش در جهت ارتقا فرهنگی درمی آید و به زدن پلی بین آنها و جامعه منتهی می گردد.



مختلف واحد اهمیت است زیرا مربیان و کسانی که در این برنامه شرکت می کنند با مشاهده و ملاحظه برخی استعدادها، از خود می پرسند: پس چرا اینها اینقدر فقیر هستند؟ چرا باینها توجه نمی شود؟ چرا چنین بحفای با ناکامی روبرو است؟ سرگذشت این افراد و این خانواده ها از چه قرار است؟ اینجاست که قضاوت وحشی

و مطالعه در چنین جو و محیطی چه شکلی پیدا می کند. "طبعاً" در بادی امر این مطلب متبادر به ذهن می شود: "چطور؟ کتاب؟ مطالعه؟ این خانواده ها بقدری گرفتاری و مسئله دارند که کتاب و مطالعه آخرین آنهاست و بعد هم آنها خواندن بلد نیستند. مسلماً" کار طولانی و پیرزحمت است اما ایجاد و پیدایش چند نمونه، بقیه

کنی . شاید ترجیح می دی درخانه بمونی ، یا با پرواز بعدی بیایی و برسی بهما . " داریوش بلافاصله با حالتش نشان داد که به موضوع علاقه مند شده است . مادر چنین ادامه داد : " شاید بتونی این مساله رو بادبیرات هم در میون بذاری و کار اضافه بگیری . فکر کن بیین دوست داری چکار کنی و بعد تصمیمت را به ما بگو . با این وجود ، ما مجبور نیستیم که بخاطر چند روز تعطیلی موقعیت تو رو در مدرسه خراب کنیم . " داریوش ، که شأن و موقعیت شخصی مورد نظرش رابه دست آورده بود ، خیلی زود گفت " فرصت بدین دربارهش فکرکنم ، بالاخره راهحلی براش پیدا می کنم . "

تصدیق سلیقهها و نظریات و ادراکات و منعکس کردن احساسات دیگران ، مهارتهای مفید بین شخصی بحساب می آیند . با این حال این مهارتها حيله و نیرنگ نیستند . به طریق ماشینی وبدون تأمل هم نمی توان آنها را به کار برد . این مهارتها فقط درچار چوب ملاحظه واحترام مفید واقع می شوند . در روابط انسانیها برای مفید بودن تنها دانستن تکنیکها هرگز برای یاری کردن دیگران کافی نیست ، بلکه خود شخص هم دراین میان نقشی دارد . بدون صداقت و دلسوزی ، تکنیکها کاری از پیش نخواهند برد .

زبان همدرد پاسخ می گوئیم ، نظر فرزند نوجوان خود را به توجه کردن جلب می کنیم . ما بابیان کردن واضح آنچه که او به صورت نامعلوم بیان کرده است ، دل او را به دست می آوریم . ماجراهای زیر نشان می دهند که والدین چگونه می توانند از روش تصدیق سلیقهها و نظریات نوجوانان استفاده کنند .

"دوروز نرفتن به کلاس می تونه تأثیر زیادی داشته باشه ."

ماجرای مادری را خواهید خواند که یسار گرفته است ادراک فرزندش را تصدیق کند تا اینکه آنرا انکار کند . برنامه خانواده این بود که دو روز بیش از تعطیلی مدارس به شیراز بروند . وقتی داریوش ، سیزده ساله ، برنامه آنها را شنید ، ناراحت شد و گفت : " من قبل از پایان کلاسها هم نمی تونم با شما بیام . خیلی عقب خواهیم افتاد ! "

پدر : چرند نگو ، داریوش . روزهای آخر کاری نیست که انجام بدهند .

داریوش : اینطور نیست . شما خبرندارید که یک روز عقب افتادن از درس یعنی چه !

پدر : دو روز - چقدر زیاد ! آقای عزیز خود معلمها روزهای آخر که میشه بار و بندیلشان رو جمع می کنن و می رند مسافرت .

این گفتگو شدیدتر شد . مادر ناگهان پی برد که کجای کار عیب دارد . او شنید که ندایی درونی چنین می گوید : " ادراک یکچه روانکار نکن . " او به داریوش گفت : " از دست دادن دو روز درسال هشتم می تونه تأثیر زیادی داشته باشه . کار زیادی خواهی داشت که باید جبران

